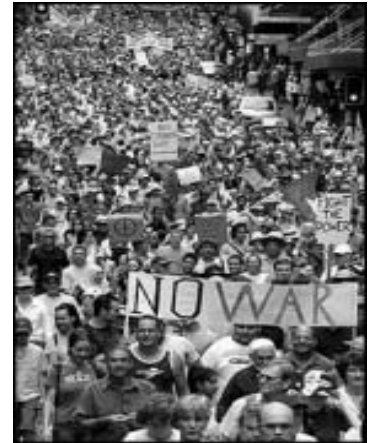




**تظاهرات میلیونها**

**انسان در سراسر جهان  
علیه جنگ امپریالیستی**



در حالی که امپریالیسم آمریکا و انگلیس و متحدین آنها دهها هزار نیروی نظامی را به همراه پیشرفته‌ترین سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی به منطقه خاور میانه و خلیج فارس گسیل نموده اند تا با حمله نظامی به کشور عراق به اهداف آزمندانه، توسعه طلبانه و جنایت کارانه خود جامه عمل بپوشند و هزاران تن از مردم عراق را با سلاح‌های مرگبار خود کشتار کنند، مردم سراسر جهان به مبارزه‌ای قهرمانانه علیه این جنگ غارتگرانه و تجاوز کارانه برخاسته اند.

دیگر صحبت از تظاهرات هزاران و دهها هزارو صدها هزار انسان علیه جنگ نیست. میلیونها انسان شریفی که به اهداف و مقاصد امپریالیست‌ها از برفروختن جنگ واقف هستند به پا خاسته‌اند. بیش از ۱۰ میلیون نفر در ۷۰ کشور جهان خیابان‌ها و میادین ۶۰۰ شهر را در روزهای ۱۵ و ۱۶ فوریه به اشغال خود درآوردند.

روز ۱۵ فوریه، در اکثر کشورهای جهان تظاهرات وسیعی علیه این جنگ سازمان داده شده بود. در برخی از کشورهای جهان ابعاد این تظاهرات تا بدان حد گسترده و وسیع بود که پلیس و خبرگزاری‌های امپریالیستی که معمولا تعداد تظاهرکنندگان

صفحه ۵

**شق ثالثی وجود ندارد**

**دمکراسی شورایی یا ارتجاع سیاسی**

سرنوشت رژیم شاه، ایجادگر شوراها در ایران بودند، تجربه مثبت شوراها را در خاطره تاریخی خود حفظ کرده‌اند و هنگامی که بار دیگر شرایط مقتضی برای ایجاد شوراها پدید آید، ابتکار عمل خود را بر این تجربه متکی خواهند ساخت.

بنابراین استقرار یک دمکراسی شورایی در ایران بر یک زمینه عینی و طبقاتی و یک پشتوانه تاریخی مبتنی‌ست. این واقعیت آن چنان حتابردشمنان طبقاتی کارگران روشن است و از آن، چنان هراسناک اند که از هم اکنون با توسل به شعارها و تاکتیک‌های گوناگون در تلاش اند، که به هر شکل شده مانع از انقلاب و استقرار یک دمکراسی شورایی در ایران گردند. این تلاش‌ها مختص جمهوری اسلامی نیست بلکه در سطح وسیع - تری از جانب اپوزیسیون بورژوایی رژیم و احزاب و سازمان‌های وابسته به آنها پی‌گیری می‌شود.

ورشکستگان سیاسی ۲ خردادی که تمام برنامه و تاکتیک‌هایشان برای فریب مردم ایران با شکست روبرو شده است، از آنجایی که می‌دانند، توده‌های مردم ایران چه علائق و اشتیاقی نسبت به شورا دارند و برای استقرار یک دمکراسی شورایی تلاش می‌کنند، برای متمایز ساختن خود از جناح رقیب و ایضا تلاش برای جلب حمایت مردم

صفحه ۲

تمام سرنوشت انقلاب آتی ایران و نه فقط مطالبات و اهداف سوسیالیستی طبقه کارگر، بلکه اساسی‌ترین خواست‌های توده مردم ایران وابسته به این است که آیا با سرنوشت جمهوری اسلامی، دمکراسی شورایی کارگران و زحمتکشان در ایران استقرار خواهد یافت یا نه؟

هرچه بحران سیاسی در ایران عمیق تر می‌شود و هر چه چشم انداز وقوع یک انقلاب توده‌ای برای برانداختن جمهوری اسلامی نزدیک تر می‌شود، این سؤال مبرم تر از همیشه در برابر همه کسانی قرار می‌گیرد که به سرنوشت انقلاب آینده ایران و تحقق مطالبات توده‌های کارگر و زحمتکش می‌اندیشند.

این که تا چه حد امکان استقرار یک چنین دمکراسی در ایران وجود دارد نه بفرصیات و آرزوهای انسان دوستانه و سوسیالیستی بلکه بر یک پشتوانه عینی و تاریخی متکی -ست. اگر همان‌گونه که روند تحول اوضاع سیاسی در ایران نشان می‌دهد، برافتادن جمهوری اسلامی به یک خواست عمومی توده مردم و نیاز فوری تحولات اجتماعی در ایران تبدیل شده است، ضرورت انقلاب، برای تحقق این نیاز، واقعیتی ست گریز ناپذیر. اما انقلابی در ایران در کار نخواهد بود، مگر انقلاب کارگران و زحمتکشان، انقلاب ستم‌دیدگان و استثمارشدگان علیه ستمگران و استثمارگران. از آنجایی که طبقه کارگر نیروی اصلی این انقلاب است، اشکال اصلی مبارزه در جریان این انقلاب نیز اشکال مبارزه مختص و ویژه طبقه کارگر، اعتصاب و قیام خواهد بود. درست همین اشکال مبارزه است که بهارگانه‌ای اقتدار معینی شکل خواهند داد که شوراها تکامل یافته‌ترین شکل آن هستند. اما زمینه‌های عینی و پایه‌های مادی شکل - گیری شوراها تنها متکی بر این بنیان طبقاتی انقلاب نیست. توده‌های کارگر و زحمتکش ایران در جریان انقلاب برای

**در این شماره**

- ۸ **مباحثه نشریه کاربا هاری فان بومل**
- ۸ **نماینده حزب سوسیالیست هلند**
- خلاصه ای از اطلاعیه‌ها**
- ۴ **و بیانیه‌های سازمان**
- ۲ **اخباری از ایران**
- ۴ **اخبار کارگری جهان**

**ضمیمه نشریه کار:**

جهت گیری و چشم انداز نشست مشترک نیروهای کمونیست و چپ  
گفتگوی نشریه کار با رفیق فاطمی از فعالان نشست مشترک

**گزارش کوتاهی از**

**برگزاری مراسم گرامیداشت**

**حماسه سیاهکل ۵**

## شق ثالثی وجود ندارد

### دمکراسی شورایی یا ارتجاع سیاسی

خردادی های درون هیئت حاکمه گرفته تا سلطنت طلب، جمهوری خواه، ملی- مذهبی و چپ نماهای لیبرال - فرمیست، به خوبی ماهیت اهداف این شعار را بر ملا می سازد. تفاوتی نمی کند که این شعار را ۲ خردادی سهیم در حکومت اسلامی مطرح کند، یا چپ نمای لیبرال- فرمیست. مضمون و هدف این شعار یکی ست. فریب توده مردم، گرفتن ابتکار عمل از دست آنها و تلاش برای حفظ نظم موجود.

از آنجایی که توده مردم به این حقیقت واقف اند که فراندوم تنهادر جایی و تا اندازه ای می تواند معنا و مفهوم داشته باشد که مردم بر سرنوشت خود حاکم باشند و آزادانه و آگاهانه بتوانند تصمیم بگیرند، وقتی به این شعار نهادهند و با بی اعتنایی به آن، به مبارزه خود برای سرنوشت جمهوری اسلامی ادامه دادند.

با گذشت هر روز بحران عمیق تر شد. عمیق تر شدن این بحران به معنای چیز دیگری جز قریب الوقوع تر شدن انقلاب نیست. برای طبقه سرمایه دار و همه ثروتمندان و مرتجعین چیزی فاجعه بارتر از انقلاب نیست، و از آن فاجعه بارتر این که کارگران و زحمتکشانی که به انقلاب بر می خیزند، بابرقراری یک دمکراسی شورایی، خود، قدرت سیاسی را به دست بگیرند و دست به کار دگرگونی تمام نظام اقتصادی- اجتماعی موجود شوند. پس به هر طریق که شده باید جلو این " فاجعه " را گرفت و آن شعارها و تاکتیک هایی را به میان کشید که حتا با وقوع انقلاب بتوان آن را درهم شکست. لذا، احزاب و سازمان های "چپ" و راست وابسته به سرمایه داران به تکاپو افتاده اند و اکنون با شعار مجلس موسسان به میدان آمده اند. اکنون، این شعار به شعار مشترک سلطنت طلب، جمهوری خواه، ۲ خردادی - های مایوس از خاتمی، طیف رنگارنگ ملی مذهبی، مجاهدین و طیف چپ نماهای لیبرال- فرمیست تبدیل شده است. اینان ادعا می کنند که مجلس موسسان عالی ترین مظهر دمکراسی ست و تنها از طریق این مجلس است که مردم می توانند بر سرنوشت خود حاکم گردند و در مورد نظام آینده تصمیم گیری کنند.

این یک فریب آشکار است. نخست این که مجلس موسسان عالی ترین مظهر دمکراسی به طور کلی نیست. بلکه مظهر دمکراسی طبقاتی بورژوازی ست. عالی ترین نهادی ست که سلطه سیاسی بورژوازی را تامین و تضمین می کند. ثانیاً- مجلس موسسان، همانند دیگر نهادها و ارگان های بورژوایی، اکنون سال -هاست که به نهادی ارتجاعی تبدیل شده است.

مجلس موسسان به عنوان عالی ترین مظهر

به شرکت در ارگان های فرمایشی موسوم به شوراهای اسلامی شهر و روستا، صفحات قابل ملاحظه ای از نشریات خود را به وصف شوراهای اختصاص داده و از خصلت دمکراتیک آنها سخن می گویند. اینان، مردم را ساده لوح تصور می کنند و چنین می پندارند که توده های مردم نمی دانند که در ایران، اکنون چیزی به نام شورا وجود ندارد و آنچه که هست تشکل های ارتجاعی - بوروکراتیک و اسلامی وابسته به رژیم است که بر آن نام " شورا" گذاشته اند. اینان به عبث چنین می پندارند. توده های کارگر و زحمت کشی که در جریان انقلاب برای سرنوشت رژیم شاه به جنبش شورایی در ایران شکل دادند و ایجادگر شوراها بودند، هنوز حی و حاضر و زنده اند. و فراموش نکرده اند که شوراهای آنهارا همین "اصلاح طلبان" امروز و حزب الهی های دیروز یا به زور چماق و تفنگ برچیدند و یا با تهدید از محتوا تهی - شان ساختند و اسلامی شان کردند. با همین آگاهی ست که کارگران و زحمتکشان ایران، از همان ایام تا به امروز تشکل های فرمایشی و ارتجاعی موسوم به شورا های اسلامی را تحریم کرده اند. توده های زحمتکش مردم به خوبی تمایز میان شورا به عنوان ارگان اعمال حاکمیت توده ای و تجلی یک دمکراسی واقعی را با یک تشکل ارتجاعی- بوروکراتیک که بر آن اسم " شورا" گذاشته اند می دانند و جناح های هیئت حاکمه رسوا تر و بی اعتبارتر از آن هستند که باین تاکتیک ها و شعارها بتوانند مسیر انقلاب توده ای و تلاش کارگران و زحمتکشان را برای استقرار یک دمکراسی شورایی سد کنند.

خطر جدی تر از جانب بورژوازی به اصطلاح اپوزیسیون رژیم و احزاب و سازمان های آنهاست که با شعارها و تاکتیک های دیگری به مقابله با انقلاب توده مردم ایران و استقرار یک حکومت شورایی در ایران بر- خاسته اند.

اینان، پس از آن که برنامه شان در حمایت از خاتمی برای جلوگیری از انقلاب با شکست روبرو شد و دیگر به خوبی می دانند که جمهوری اسلامی به هرحال رفتنی ست و چشم اندازی برای نجات آن وجود ندارد، با شعارها و تاکتیک های جدیدی به صحنه آمده - اند و با شعار فراندوم و مجلس موسسان، وعده استقرار دمکراسی در ایران و تحقق مطالبات مردم را می دهند. اما دقیقاً همین شعارهاست که به خوبی نشان می دهند که هدف گروه های مختلف بورژوازی، درست همان چیزی ست که با حمایت از خاتمی داشتند و آن، گرفتن ابتکار عمل از دست توده ها و حفظ نظم موجود است. گیریم بدون جمهوری اسلامی و یایک جناح از آن. ترکیب گروهها و سازمان هایی که شعار فراندوم را سر دادند و برخی هنوز سر می دهند، از ۲

## اخباری از ایران

### \* تجمع اعتراضی کارگران نختاب تبریز

اعتصابات و اعتراضات کارگران نختاب تبریز برای پرداخت دستمزدهای معوقه که از اوائل بهمن ماه شروع شده، همچنان ادامه دارد. کارگران با حضور در محل کار اما خودداری کردن از کار، همچنان به این اعتراض ادامه می دهند.

روز شنبه ۱۹ بهمن وقتی که کارگران می خواستند وارد کارخانه شوند، از ورود بسیاری از کارگران ممانعت به عمل آمد. گفته می شود حدود ۴۰۰ تن از کارگران اخراج شده اند و اجازه ورود به کارخانه را ندارند. این مسئله شدیداً موجب اعتراض کارگران قرار گرفت. کارگران به طور یک پارچه سعی کردند وارد کارخانه شوند. سرانجام مامورین انتظامی که به محل فراخوانده شده بودند، به ضرب و شتم و سرکوب کارگران پرداخته و اقدام به تیراندازی هوایی نمودند و با دستگیری شمار زیادی از کارگران، کارگران را متفرق ساختند. به دنبال این حمله وحشیانه، کارگران نختاب تبریز روز دوشنبه ۲۱ بهمن ماه در ادامه اعتصابات و اعتراضات خویش، در برابر اداره کار تبریز، دسته به تجمع زدند و بار دیگر خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه و همچنین لغو حکم اخراج کارگران و آزادی فوری کارگرا بازداشتی شدند.

### \* نامه اعتراضی کارگران لوله سازی اهواز به سازمان بین المللی کار

به دنبال ارسال نامه تنی چند از نمایندگان کارگران صنعت نفت ایران برای کارشناسان سازمان جهانی کار که در آن از جمله خواستار ایجاد اتحادیه مستقل کارکنان صنعت نفت تحت نظارت مستقیم نمایندگان اتحادیه های آزاد بین المللی و سازمان جهانی کار شده بودند، ۶۲۰ تن از کارگران لوله سازی اهواز نیز با امضاء یک نامه اعتراضی خطاب به رئیس سازمان جهانی کار، خواستار نظارت مستمر این نهاد بر اجرا و رعایت توافق نامه -ها و مقاله نامه های ILO در ایران شدند.

در این نامه که در تاریخ ۸۱/۸/۳۰ نگاشته شده، از جمله به این مسئله نیز اشاره شده است که علی رغم اعتراضات مکرر کارگران برای دریافت دستمزدهای معوقه، مدت ۹ ماه است که حقوق ۸۰۰ کارگر این شرکت پرداخت نشده است. کارگران لوله سازی اهواز در نامه خود هم چنین با اشاره به تشدید فشارهای اقتصادی، پایمال شدن آشکار حق و حقوق اولیه کارگران، به سیاست های ضد کارگری و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی

## شق ثالثی وجود ندارد

### دمکراسی شورایی یا ارتجاع سیاسی

دمکراسی پارلمانی، زمانی نقش مترقی داشت، که طبقه سرمایه دارنقشی مترقی در روند تاریخ برعهده داشت و سیستم سیاسی پارلمانی بورژوازی را که درمقایسه بانهاد - های ارتجاعی قرون وسطایی پیشرفته و مترقی بود، تحکیم می کرد. در آن دوران قراربراین نبودکه نهادی پدیدآیدکه قدرت سیاسی توده‌های کارگر راتحکیم کند، بلکه نیازبه آن چنان ارگان‌ها و نهادهایی بود که در خدمت تحکیم قدرت طبقه ای مترقی که تاریخ رسالت دگرگونی آن دوران را بر عهده این طبقه قرارداده بود، ولو این که طبقه‌ای استثمارگر به نام طبقه سرمایه‌دار باشد، قرارگیرد. مجلس موسسان به خوبی پاسخگوی این نیازتاریخی-طبقاتی بود. اما از هنگامی که نظام سرمایه‌داری جهانی نقش مترقی و پیشتازتاریخی خود را از دست داد و طبقه سرمایه دار به یک طبقه زائد و ارتجاعی تبدیل شد، نهادهای سیاسی بورژوازی نیز به نهادهای ارتجاعی و به یک مانع و رادع تاریخ تبدیل شدند. مجلس موسسان نیز به عنوان عالی‌ترین مظهر دمکراسی بورژوازی ازاین قاعده برکنارنموده و نیست. بنابراین جای‌تعجب نبوده و نیست که درهمین ایران، مجلس موسسان بورژوازی سر از مجلس خبرگان بورژوازی درمی آورد، و رژیم اسلامی را جایگزین رژیم سلطنتی می‌کند و اگر قرار باشد یک بار دیگر مجلس موسسان در ایران تشکیل شود، باز هم مجلس‌دیگری جزیک‌خبرگان جدید نخواهیم داشت. تنها با این تفاوت که خبرگان جدید به جای عبا و عمامه، کلاه و کت و شلوار و کراوات خواهند داشت. این همه از آنجا ناشی می‌گردد که بورژوازی و همراه با آن نهادها و ارگان‌های بورژوازی، ارتجاعی و بازدارنده شده‌اند.

اکنون سالهاست که رسالت دگرگونی‌های اجتماعی و تاریخی برعهده یک طبقه جدید، یعنی طبقه کارگر قرارگرفته‌است که رسالت - اش نابودی و محو نظام طبقاتی و هرگونه ستم و استثمار است.

این طبقه برای این که به وظیفه طبقاتی و تاریخی خود عمل کند و برای نابودی نظم کهنه و ارتجاعی سرمایه داری و ایجاد جامعه ای کمونیستی اقدام کند، باید نخست بورژوازی را ازاریکه قدرت سیاسی به زیر بکشد و ابزارهای حفظ و تحکیم قدرت سیاسی آن را درهم بکوبد و به دور بریزد. طبقه کارگر نمی‌تواند، ابزارتحکیم قدرت سیاسی ستمگران رادخدمت پیشبرد مقاصد خود قرار دهد. لذا همان گونه که بورژوازی ارگان‌ها و نهادهای جدیدی را برای تحکیم و تثبیت قدرت سیاسی خود درمقابل طبقات ارتجاعی قرون وسطایی آفرید، طبقه کارگر نیز به ارگان‌ها و نهادهای مختص خویش نیاز دارد و آنها را می

آفریند. انقلاب کارگری فرانسه موسوم به کمون پاریس، انقلاب کارگری در روسیه و تمام انقلابات کارگری قرن بیستم این حقیقت را به وضوح نشان دادند و این حقیقت را عیان و آشکار دربرابرهمگان قراردادند که نه تنها دمکراسی کارگری میلیون‌ها بار مترقی‌تر و پیش رو از حتی دمکراسی پارلمانی دوران بالندگی بورژوازی است، بلکه ابزارها و وسائلی که این دمکراسی ایجاب می کند، به کلی متمایز از آن چیزی است که بورژوازی آفرید. اگر حتی مترقی‌ترین سیستم‌های سیاسی بورژوازی وظیفه ای جز این برای مردم قائل نبودند که یک بار درطول عمرشان به پای صندوق رای بروند و یکی را از میان طبقه حاکم انتخاب و به مجلس موسسان بفرستند و هرچند سال هم یکبار درپای صندوق رای گیری حاضر شوند و نمایندگان پارلمان یا رئیس جمهورانتخاب کنند، و به خانه‌های خود بروند تا آنها برایشان تصمیم بگیرند و دستشان ازهمه جاکوتاه باشد، دمکراسی کارگری، که تحکیم کننده حاکمیت اکثریت بسیار عظیم مردم یعنی کارگران و زحمتکشان ستمدیده است، نیاز به آنچنان ارگان‌ها و نهادهایی دارد که بتواند در خدمت این هدف قرارگیرند. شوراها یک چنین ارگان - هایی هستند. توده کارگر و زحمتکش از طریق این ارگانها در محل کار و زندگی خود، آزادانه و آگاهانه نمایندگان خود را انتخاب می کنند. اما فقط این نیست که همه چیز ازپائین ترین سطوح تا بالاترین آن انتخابی می شود، بلکه روز مره این نمایندگان تحت کنترل و نظارت مردم‌اند و هرآن که دیدند نماینده ای خلاف منافع و خواست آنها عمل می‌کند، درهمان لحظه می‌توانند، او را معزول و اختیاراتش را سلب کنند. دیگر نیازی به آن نیست که ارگانها و نهادهایی مافوق مردم درمورد آنها تصمیم بگیرند، خود توده مردم درشورا - هایشان تصمیم می گیرند و خود این تصمیمات را که شکل قانونی به خود گرفته است اجرامی کنند. دیگر نیازی به آن نخواهد بود که عده‌ای به عنوان رئیس‌جمهور، وزیر و وکیل در ارگان‌های عالی کشور جاجوش کنند و حقوق‌های کلان دریافت کنند. هرکارگر و زحمتکشی به حسب توانایی خود می تواند عهده دار این وظایف گردد و همان دستمزد و حقوق کارگری اش را نیز دریافت کند. دیگر نیازی به آن نخواهد بود که یک بار مردم به پای صندوق رای بروند تا نماینده - ای را انتخاب و به مجلس موسسان بفرستند، که به نام آنها اما علیه آنها تصمیم بگیرد و سرنوشت آتی‌شان را تعیین نماید. کنگره نمایندگان شوراهای کارگران و زحمتکشان، که نمایندگان راستین توده‌های زحمتکش مردم در آن جای دارند و از پائین ترین

سطوح انتخاب شده‌اند و هر لحظه تحت کنترل و نظارت مولکین، به‌عنوان عالی‌ترین نهاد دمکراسی شورایی تصمیم خواهد گرفت و منظمًا جلسات خود را برای رتق و فتق امور عمومی کشور تشکیل خواهد داد. بنابراین روشن‌است که چرا سرمایه‌داران و پادوان خادم آنها، با دمکراسی شورایی مخالفت می‌ورزند و چرا در برابر عالی‌ترین ارگان دمکراسی شورایی کارگران و زحمت - کشان یعنی کنگره نمایندگان شوراها، مجلس موسسان را قرار می‌دهند.

طبیعی‌ست که شعار توده‌های کارگر و زحمت - کش، دمکراسی شورایی و کنگره نمایندگان شوراها به عنوان عالی ترین ارگان تصمیم گیرنده باشد و شعار سرمایه داران و خادمین آنها، مجلس موسسان و پارلمانتاریسم. با تعمیق هرچه بیشتر بحران سیاسی در ایران و نزدیک تر شدن لحظه انقلاب و سرنوشتی رژیم، تقابل این شعارها و حاملین آنها بیش از پیش خودنمایی خواهد کرد. بنابر این بی جهت نیست که ازهم‌اکنون سرمایه داران و خادمین لیبرال - رفرمیست آنها حملات خود را متوجه آن جریان‌اتی کرده‌اند که در برابر شعارهای رفراندوم و مجلس موسسان بورژوازی شعار انقلاب، حکومت کارگری و دمکراسی شورایی را فرار داده‌اند. و هیچ‌جای تعجب نیست، اگر بیشترین حملات خود را متوجه سازمان فدائیان (اقلیت) کرده - اند. در هفته‌های اخیر، این سوال برای بسیاری مطرح شده‌است که چه اتفاقی رخ داده که به یکباره یک موج حملات علیه فدائیان اقلیت به راه افتاده است؟ پاسخ ما این است که نگاه کنید و ببینید که آنها که هستند و از کدام شعارها دفاع می کنند. سازمان فدائیان (اقلیت) نیروی پی‌گیر دمکراسی شورایی و حکومت کارگری است و قاطعانه شعارهای بورژوازی رفراندوم و مجلس موسسان را مردود اعلام کرده‌است. علاوه بر این سازمان ما یکی از سازمان‌های فعالی است که برای وحدت نیروهای چپ و کمونیست تلاش می‌کند، بورژوازی و خادمین لیبرال - رفرمیست سرمایه، هم با اتحاد نیروهای کمونیست، چپ و انقلابی مخالف اند و هم با دمکراسی شورایی. لذا تعجب آور نخواهد بود اگر آنها بیشترین حملات خود را متوجه سازمان ما کنند. فراتر از آن تعجب نکنید اگر می‌بینید، حزب الهی، مجاهد، سلطنت طلب، عناصر ناراضی طبقات مرفه و بالاخره چپ‌نماهای لیبرال - رفرمیست، در یک صف قرار می‌گیرند و شعار مرگ بر اقلیت سر می‌دهند. آنها با این کار هرچه بیشتر ماهیت دمکراسی پارلمانی و مجلس موسسان‌شان را برملا می‌کنند. چه رسوایی برای آنها بالاتر از این که اگر حزب الهی‌های خمینی چی پس از قدرت گیری شان شعار مرگ بردایی را سر دادند، حزب الهی‌های مدرن طرفدار مجلس موسسان، پیش از آن که به جایی برسند ازهم اکنون، پیراهن‌های مشکی و قهوه ای خود را پوشیده‌اند و علیه فدائیان (اقلیت) شعار می‌دهند. اگر این

## اخبار کارگری جهان

### \* اعتصاب کارگران راه آهن در جمهوری اسلوواک

روز ۳۱ ژانویه مذاکرات مقامات دولت با نمایندگان کارگران راه آهن دولتی در جمهوری اسلوواک به بن بست رسید. مقامات دولت بر تصمیم خود مبنی بر تعطیل بخشی از شبکه راه آهن این کشور و لاجرم اخراج و بیکاری صدها کارگرتاکید کردند. در پی این امر، نمایندگان کارگران نیز چانه زدن با مقامات دولت را بیهوده دانسته و با ترک محل مذاکرات، صدها کارگر به سرعت دست به تعطیل کارها زدند. این اعتصاب ۳ روز ادامه داشت و در این مدت دهها هزار مسافر در ایستگاههای راه آهن به انتظار حرکت قطارها و هزاران بسته پستی در انبار راه آهن ماندند. این اعتصاب ۳ روزه، مقامات دولت را به عقب نشینی واداشت و روز ۳ فوریه، از نمایندگان کارگران مجددا دعوت شد که مذاکرات را از سر بگیرند. اعتصا - بیون اعلام نمودند که مبارزه قاطع با رشوه خواری و فساد مالی هزاران کارمند عالی رتبه می تواند حقوق کارگران را برای ماهها تامین نموده و دیگر هیچ نیازی به تعطیلی بخشی از شبکه راه آهن و اخراج کارگران نخواهد بود. در صورت مخالفت دولت با خواست اعتصابیون دور جدیدی از اعتصابات در سراسر اسلوواک آغاز خواهد شد.

### \* اعتصاب فلزکاران در بلژیک

اوائل ماه فوریه صاحبان مجتمع صنعتی Arcelor، بزرگترین تولید کننده فلز در سراسر جهان، اعلام کردند که تمام سرمایه گذاری خود در یکی از کارخانههای خود واقع در شهر لیژ را متوقف کرده و تا سال ۲۰۱۰ ظرفیت تولید این کارخانه را به میزان ۲۵ درصد کاهش خواهند داد. پی آمد این اقدام اخراج بیش از ۲ هزار کارگر این کارخانه خواهد بود. اعلام این خبر موجی از اعتراض را در میان کارگران دامن زد. در همین رابطه روز ۴ فوریه تمامی ۶ هزار کارگر این کارخانه دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. اعتصابیون اعلام کردند که این حرکت تنها هشداری به صاحبان این کارخانه بوده و مبارزه آنان تا پیروزی کامل ادامه خواهد داشت.

### \* اعتصاب رانندگان قطار در انگلستان

بزرگترین شرکت باربری انگلستان، EWS، روز ۱ فوریه شاهد اعتصاب بیش از ۲۵۰۰ راننده قطار خود بود. این اعتصاب در پی مخالفت کارگران با میزان پیشنهادی از سوی کارفرما برای افزایش دستمزدها انجام گرفت. با این اعتصاب حرکت بیش از ۵۰۰ قطار باربری به طور کامل متوقف شد. کارگران اعلام نمودند که پیشنهاد کارفرما مبنی بر افزایش دستمزدها به میزان ۴ درصد پاسخ

- گوی هزینههای زندگی آنان نبوده و اعلام نمودند که اگر چنانچه کارفرما دستمزدها را به میزان نرخ تورم افزایش ندهد، روز ۸ فوریه مجددا دست به اعتصاب خواهند زد. بابی جواب ماندن خواست کارگران، روز ۸ فوریه مجددا تمامی ۲۵۰۰ راننده قطارهای باربری در سراسر انگلستان کارهای خود را تعطیل کردند. این بار نیز ۵۰۰ قطار از حرکت ایستاده و دهها تن کالا در انبارهای راه آهن تلنبار شد. اعتصابیون برخاستند خود تاکید کرده و در ضمن خواستار کاهش ساعات کار خود به ۳۵ ساعت در هفته شدند. ابعاد این دو حرکت اعتراضی، کارفرما را وادار نمود که مجددا از نمایندگان کارگران دعوت نماید تا دور جدیدی از مذاکرات را آغاز نمایند. کارگران اعلام نمودند که به رغم تلاش های کارفرما خواست آنان هیچ تغییری نکرده و مبارزات خود را تا تحقق این خواسته ها ادامه خواهند داد.

### \* ادامه اعتراضات معلمان در گواتمالا

از اواسط ماه ژانویه، بیش از ۶۵۰ نفر از معلمان مدارس ابتدایی در گواتمالا در اعتصاب به سر می بردند. میانگین دستمزد معلمان در این فقیرترین کشور آمریکای لاتین حدود ۲۰۰ دلار در ماه می باشد که کفاف حتا بخشی از هزینه های ضروری این اقشار زحمتکش و خانواده های آنها را هم نمی کند. علاوه بر این مدارس نیمه مخروبه، کلاسهای انباشته از دانش آموزان و وضعیت اسف بار تغذیه رایگان در مدارس ابتدایی از دیگر موادی است که نارضایتی معلمان این کشور را دامن زده و سرانجام در اواسط ماه ژانویه، این نارضایتی خود را در یک اعتصاب عمومی نا محدود نشان داد. از آغاز این حرکت اعتراضی روزی نبوده که معلمین شاهد فشارهای گوناگون از سوی مقامات دولتی و بی اعتنائی وزیر فرهنگ و آموزش این کشور نباشند. انباشته شدن همه این فشارها مجددا روز ۷ فوریه، دهها هزار معلم خشمگین را به خیابان های بیش از ۲۰ شهر این کشور آورد. در این روز اعتصابیون به مسدود کردن راههای ارتباطی و راههای ورودی به این کشور در مرز مکزیک و بالاخره محاصره واشغال یک رشته از مراکز دولتی دست زدند. در پایتخت این کشور، گواتمالا سیتی، ساختمان وزرات آموزش و پرورش به اشغال اعتصابیون درآمد و کارکنان این وزارتخانه اجازه ورود به این ساختمان را نیافتند. معلمان اعتصابی مجددا در این روز از مقامات دولت خواستند که به فوریت به خواسته آنان رسیدگی شود. مقامات دولت در تلاشند که هر چه سریع تر به این اعتصاب معلمان پایان دهند. آنها در تلاش - اند با افزایش ناچیز دستمزدها، بیش از ۲ هزار نفر از معلمین فعال در این اعتصاب را اخراج کنند. انتشار این خبر مجددا موجی از خشم و نفرت را در میان اعتصابیون علیه دولت به راه انداخت. آنان اعلام نمودند که در صورت اخراج حتا یک نفر از معلمان اعتصابی، تمامی معلمان گواتمالا دست به یک اعتصاب نامحدود خواهند زد.

## خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

در اواخر بهمن ماه، سازمان در اعلامیه ای با عنوان «انتخابات فرمایشی شوراهای قلابی را تحریم کنیم» از مردم زحمتکش و مبارز خواست که از شرکت در این به اصطلاح انتخابات خودداری کنند.

در این اعلامیه گفته شده است که ۴۴ سال حاکمیت رژیم ترور و اختناق جمهوری اسلامی به همگان نشان داده است که در ایران، کشوری که مردم حتا از ابتدایی ترین حقوق انسانی و آزادی های سیاسی محروم اند، نه انتخاباتی به معنای واقعی کلمه وجود دارد، نه از طریق انتخابات تغییری در اوضاع حاصل خواهد آمد و نه ارگان و نهادهای متعلق به مردم وجود خواهد داشت.

اطلاعیه سپس می افزاید که آنچه که سران جمهوری اسلامی از آن به عنوان شورا نام می برند، چیزی جز نهادهای ارتجاعی بوروکراتیک بی بو و بی خاصیت وابسته به رژیم نیستند و هیچ قربانی با شوراهای واقعی که ارگان های اعمال حاکمیت مستقیم توده ای و تجلی عالی ترین شکل دموکراسی هستند، ندارند.

اطلاعیه، سپس با اشاره به مختصات شوراهای، به عنوان ارگان های اعمال حاکمیت مستقیم توده های زحمتکش، نتیجه می گیرد که دموکراسی شورایی با هیچ ارتجاع طبقاتی و مذهبی سرسازگاری ندارد و آن زمان، دموکراسی شورایی در ایران مستقر خواهد شد که توده های مردم ایران نه فقط جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، بلکه تمام دستگاه ارتجاعی - بوروکراتیک و نظامی دولتی را درهم بکوبند و دولتی شورایی را برقرار سازند.

تشکیلات خارج کشور سازمان در اطلاعیه ای به تاریخ ۱۰ فوریه ۳۰۰۲، از همه نیروهای کمونیست، چپ و صلح طلب خواست که در تظاهرات ضد جنگ ۱۵ فوریه که در سراسر جهان برگزار می گردد، هر چه گسترده تر شرکت کنند و با ابراز مخالفت با جنگ طلبی امپریالیست ها، از بروز فاجعه ای که در انتظار کارگران و زحمتکشان عراق است جلوگیری نمایند. اطلاعیه با اشاره به تدارک نظامی امپریالیست ها برای حمله به عراق و دهها هزار نیروی نظامی و انبوه تجهیزات نظامی که به منطقه گسیل کرده اند، می افزاید این تجاوز نظامی به عراق که به مرگ و نیستی صدها هزار انسان تمام خواهد شد با اهداف جنگ انداختن بر منابع نفتی این کشور انجام می گیرد. باید با تمام نیرو در برابر این نقشه ضد بشری ایستاد و آن را متوقف نمود.

### \* اعتصاب معلمان در سبیری

بیش از ۴۰۰ نفر از معلمان چند شهر سبیری در اواخر ماه ژانویه دست به یک اعتصاب نا محدود زدند. این معلمان از ماه نوامبر سال گذشته، حقوق خود را دریافت نکرده اند. در دو ماه اخیر، این دومین باری است که معلمان سبیری در اعتراض به عقب افتادن پرداخت حقوق خود دست از کار می کشند. اعتصابیون اعلام نمودند که در صورت ادامه بی اعتنائی مقامات دولتی، از اوایل ماه مارس در مقابل ساختمان وزرات آموزش و پرورش سبیری دست به یک اعتصاب غذا و تحصن نامحدود خواهند زد.

## جهت گیری و چشم انداز نشست مشترک نیروهای کمونیست و چپ

### گفتگوی نشریه کار با رفیق فاطمی

#### از فعالان نشست مشترک

کار - شما با چه پیش زمینه ای در نشست مشترک نیروهای چپ و کمونیست شرکت کردید؟

رفیق فاطمی - با درود ، و با تشکر از شما رفقا که با ایجاد زمینه مساعد و دراختیار گذاشتن چنین فرصتی به سایر رفقا در سطح جنبش فضایی را پدید می آورید که بتوان با تبادل نظر در مشترک پراکندگی نیروهای چپ و کمونیست را و به طرق گوناگون و با ابزارهای مختلف به چالش کشید و جهت فائق آمدن بر این معضل چاره جویی نمود. رفقا: ما مراحل حساس و بحرانی از جنبش مبارزاتی را پیش روی داریم که مسئولیتها و تعهدمان را نسبت به جنبش طبقاتی کارگران و بالطبع رهایی از قید و بندهای ناشی از ستم طبقاتی بسیار تعیین کننده ساخته است.

نگاهی به وضعیت موجود در ایران و مبارزاتی را که شتابان به پیش می رود این واقعیت را به همگان آشکار ساخته که این رژیم دیگر توان حکومت کردن را به شکل فعلی آن ندارد. این را حتی نیروهای داخل حکومت نیز فهمیده اند از یک بحران و حتی از سرنگونی رژیم سخن می رانند. نگاهی به روز نامه های داخلی و وابسته به رژیم نشانگر آن است که سران رژیم خطر انقلاب را دیده اند. در مورد آن هشدار می دهند و در پی راه حلی برای برون رفت از این وضعیت هستند. عمیق تر شدن بحران سیاسی-اقتصادی در ایران جامعه را به آستانه یک انفجار عمومی نزدیک تر کرده است. دامنه نارضایتی مردم ، اعتراضات و اعتصابات کارگری ، مبارزات زنان ، اعتراضات دانشجویی و . . . گسترش یافته است. فقر ، گرسنگی ، فحشاء اعتیاد و پدیده کودکان خیابانی در ایران تا به امروز چنین ابعاد فاجعه آمیزی نداشته است. تضادها و بحرانها امروز به جایی رسید که حتی بورژوازی ایران در کلیت خود پذیرفته که جمهوری اسلامی دیگر توان وامکان و بقاء به شکل کنونی را ندارد. بورژوازی داخلی و بین المللی از این نظر تلاش وسیعی را برای مهار این بحران سازماندهی کرده و تاکتیکها و شعارهای جدیدی در دستور کار قرار داده است. خاتمی و پروژه اصلاحات او یکی از این تاکتیکها بود. دولت های غربی نیز با تمام قوا این پروژه را مورد حمایت قرار دادند. در این میان نیروها و احزاب راست و رفرمیست و نیروهایی که ادعای چپ بودن داشتند به دنبال این پروژه روان شدند و چند صباحی در رکاب اصلاحات به توهمات عمومی دامن زدند.

شکست پروژه اصلاحات و به گل نشستن کشتی اصلاح طلبان در داخل و خارج از کشور این واقعیت را آشکار ساخت که بحران سیاسی - اقتصادی در ایران عمیق تر از آن است که بتوان با سرمایه گذاری چند کمپانی و شرکت خارجی آن را حل و فصل نمود. بورژوازی داخلی و بین المللی همچنان به دنبال راه حل دیگری برای فائق آمدن بر این بحران هستند تا بتوانند از فرارویی این بحران به یک انقلاب جلوگیری کنند. اما در این میان جایگاه چپ انقلابی و رادیکالی که بتواند این اعتراضات و مبارزات مردم را سازماندهی کند و از این پتانسیل های مبارزاتی در جهت سازماندهی طبقه کارگر و متشکل ساختن آن استفاده کند خالی است! چپ که باید در جامعه طبقاتی ایران نقش ایفاء نماید و تاثیر گذار باشد در کجای این موازنه قرار دارد؟ از این واقعیت نباید غافل شد که بخش زیادی از نیروهای چپ و کمونیست به علت دستگیریها و اعدام و سرکوب های شدید و خفقان ، ناخواسته تن به تبعید اجباری داده و آن بخش از فعالین ، کادرها و اعضاء و هوا داران سازمانها و تشکیلاتها که توانسته اند خود را از چنگ رژیم جمهوری اسلامی برهانند امروز در خارج از کشور متمرکز شده اند. تجربه این سالها به همگان آشکار ساخت که هیچ کدام از نیروهای چپ پس از سالها دوری از ایران و افتراق و پراکندگی نمی توانند

به تنهایی تاثیر تعیین کننده ای بر روند مبارزات در ایران برجای بگذارند. می توان گفت که تاریخچه اتحاد عملها به سالهای ۷۵ و ۷۶ یعنی حدود ۷ سال پیش برمی گردد که بحثها و جلسات گوناگونی در رابطه با اتحاد عملها و وحدت های مختلف صورت می گرفت. اما این بار به دنبال تلاش های پی گیر نیروهای رادیکال و چپ و سرانجام پس از چندین و چند ائتلاف و اتحاد عمل تلاش های سازنده و خستگی ناپذیر در جهت مادیت بخشیدن به آلترناتیوی فراگیر برای کمک به سازماندهی و سازمانیابی طبقاتی کارگران و زحمتکشان صورت می گرفت و تشکیل " نشست مشترک نیروهای چپ و کمونیست" به نیاز چپ در این زمینه پاسخی در خور داد. تفاوتی که " نشست مشترک نیروهای چپ و کمونیست" با اتحاد عملها و سمینارهای گذشته دارد این است که در گذشته جلسات و سمینارها همیشه در سطح رهبری و کادریهای تشکیلاتی برگزار می شد و این بار سعی شد کلیه نیروهای سیاسی تشکیلاتی و غیر تشکیلاتی و فعالین منفرد و مستقل کمونیست و رادیکال در این پروژه مشارکت داشته باشند تا بتوان این بار به صورت یک قطب و یک آلترناتیو در جنبش چپ ایران مطرح بود. این واقعیت که اپوزیسیون راست می خواهد روند تحولات آتی ایران نه به شکل یک انقلاب و دگرگونی اساسی و نه حول خواستهها و منافع طبقاتی کارگران و نیروهای زحمتکش جامعه بلکه با جابجایی مهره ها و تغییر شکل حکومت و پایمال کردن خواسته های کارگران و زحمتکشان شکل بگیرد ، وظیفه نیروهای چپ و کمونیست را در دفاع از حکومت شوراهای کارگران و زحمتکشان دوچندان کرده است. پرواضح است که اختلاف نظرهای فراوانی در سطح نیروهای شرکت کننده چه در سطح نیروهای تشکیلاتی و چه در سطح رفقای مستقل و منفرد وجود دارد ولی آن چه که باید بر آن پافشاری کنیم به واقع وجوه اشتراکی است که می باید مبنای عملی و راهکارهای عینی مبارزات مشترک ما باشد.

کار- ارزیابی شما از اجلاس اول چپیت و در مورد مصوبات این نشست چه نظری دارید؟

رفیق فاطمی- به باور من نشست اول صمیمانه ترین انگیزه ها را در طی سپری کردن کوله باری از تجارب تلخ و گزنده و ناگوار و بریستر بخشا دوره هایی که ماحصل چند نسل اند ، پیکارگران چپ و کمونیست در نبردهای نابرابر طبقاتی را پیگیری کرده بود را به نمایش گذاشت که می بایست در همان حد و توان و آنچه علی رغم سنگینی فضای دوری یا نزدیکی نیروها با حفظ اختلافات خود تلاش امیدوار کننده را که می تواند به سردرگمی این چپ انقلابی خاتمه دهد پاسخ گوید. نشست اول با توافقی اولیه و در عین حال بنیادی بر روی سه محور و مرز بندی قاطع با جریانات رفرمیست و نهایتا انتشار بیانیه سیاسی مشترک نخستین گام اساسی خود را برداشت و در عین حال تلاش دارد تا به نیروی تاثیر گذار در آینده تبدیل شود. به اعتقاد من زمینه های مادی این شکل گیری ارگانی رزمنده توانست صرف نظر از همه نواقص ، بر عدم اعتماد های پیشین و پیش داورها غلبه کند ، انگیزه اساسی را به درستی تشخیص دهد و مسیری را انتخاب کند که به هر رو به موقعیت کنونی که در آن به سر می بریم فرارونید. برای مبنای می توان گفت که اجلاس اول توانست طلسم مبارزات پراکنده و فرقه گرایی و سکتاریسم معمول حاکم بر غالب جریانات و چپ انقلابی و کمونیست را با دیدی نقادانه بشکند و صادقانه جسارت پاسخگویی جمعی به این نیاز و حرکت مشترک را در خود احساس کند و به باور من سازمانها و جریانات رادیکال و کمونیست گام های نخستین خود را با سری

## از صفحه ۱

افراشته و دیدی آگاهانه به جلو برداشته اند. گام های نخستین در نشست مشترک اگر چه به درستی اما به کندي برداشته شد و از همین روست که مصوباتی نظیر: ۱- سرنگونی جمهوری اسلامی. ۲- درهم شکستن ماشین دولتی سرکوب. ۳- برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان دستاوردهای تاریخی برای چپ انقلابی است و برای مدافعان واقعی طبقه کارگران امیدواری را به ارمغان آورده که صف مجیزگویان بورژوازی را در همه اشکال و ابعاد آن باید عریان و آشکار ساخت. این مصوبات اما اگر در روند تکوینی آتی خود از امکانات دیگری که عمدتاً به تکنیک قضیه جهت برنامه و عملی ساختن آن، یعنی که مشخصات پلانفرمی را به خود نگیرد و مرانامه و یا اساسنامه‌ای که توان حرکت را در برابر نیروهایی که به آن چشم دوخته اند را در دستور کار خود قرار ندهد و به وظایف این نیروها شفافیت قاطع نبخشد، در وضعیت فعلی و جایگاه کم تحرک خود در جا خواهد زد. دست ها را می‌باید بیشتر به هم نزدیک تر کنیم. آن شعاری که در بیانیه سیاسی نشست اول رکن اصلی مصوبات آن را تشکیل می‌دهد، به نیرو هایی که هنوز به هر دلیلی به این اتحاد پایدار سیاسی ملحق نشده‌اند این نوید را می‌دهد که به صف و جایگاه واقعی خود بازگردند و از موضع‌گیری و ابراز نظرهراسی به خود راه ندهند. چرا که تحولات شتابنده و شفاف آینده تفکیک طبقاتی را به سرانجام خواهد رساند.

## کار- اجلاس دوم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

رفیق فاطمی- اگر بخواهم از نشست اول و مصوبات آن به عنوان یک نقطه عطف و حرکتی مهم در دوره حیات احزاب و سازمان های چپ و کمونیست یاد کنم و آن را دستاوردی مهم برای جنبش کمونیستی و کارگری بدانم، اما نشست دوم به اعتقاد من یک درجا زدن بود. این نشست نتوانست آن نتایج تکمیلی را در ادامه اجلاس اول به بار آورد. با توجه به تعهدات و توافقاتی که در سطح جنبش ایجاد شد و همان طور که در بالا به آن اشاره داشتیم در آن بیانیه به درستی مرزبندی قاطع با رفرمیسم و همه جریانات بورژوازی کشیده شد و نشست دوم می‌بایست در ادامه تکمیلی آن محور حرکات و مبارزات و راهکارهای عمل آن را در این راستا روشن می‌ساخت، تا این اتحاد بتواند یک شکل عملی و مبارزاتی به خود بگیرد، اما روند بحث‌ها در اجلاس دوم نشانگر آن بود که کماکان آشفنگی های ذهنی و نظری به وضوح وجود دارد. نشست اول امیدها و شور و شوقی رامیان بسیاری از فعالین چپ و کمونیست ها ایجاد کرده بود و این انتظار بود که در نشست دوم شکل تشکیلاتی این نشست با تصویب پلانفرم و تصویب یک آئین نامه داخلی به گنج سری ها پایان بخشد. اما روند حرکت در این نشست دوم موقعیت دیگری را به نمایش گذاشت.

بلندپویی که در نشست دوم به وضوح دیده می‌شد کمتر نشان از چپیی اثر گذار در آن هویدا بود. روند این نشست در نهایت با تاکید بر مصوبات نشست اول و با تصویب یک بیانیه سیاسی و انتخاب یک شورای هم- آهنگی سپری شد. جادارد که به یک مسئله نیز اشاره کنم و آن برخورد بسیار ضعیف و سنتی به مسائل زنان بود که به دیدگاه من حاکی از عقب‌ماندگی جنبش رادیکال و چپ ایران در مورد زنان می‌باشد. در این مورد متأسفانه باید متذکر شوم که هنوز رفقای رزمنده مسائل و مشکلات زنان رانه مسئله‌ای فوری و مبارزه‌ای روزمره بلکه در تحقق انقلاب سوسیالیستی می‌بینند و از این رو در نشست دوم تنها با آوردن یک بند در مورد زنان، حل مشکلات و مسائل زنان را به خود زنان واگذار نمودند.

رفقا: اگر به بررسی این دو نشست بپردازیم، می‌توان گفت در فاصله ۹ ماهه میان دو نشست، نطفه جنبی نشست نیروهای مشترک از تغذیه ای مطلوب برخوردار نگردید که به هنگام زایش در نشست دوم بتواند دوران نوزادی و تنومندی خود را طی کند. به هر رو باید به جای لجباجت و اصرار سیاسی و اتوریته طلبی و بعضاً هنوز فرقه ای سطح برخورد ها و حتا منازعات نظری را جذب ای دیگر داد تا این نیرو با کمیت بیشتری حضور فیزیکی و اکتیویتی از خود نشان دهد.

اما نشست دوم علی‌رغم همه این کاستی ها و نقصان ها باید طی می شد تا این فرصت را پدید آورد که برای نشست سوم فرصت‌ها را جدی بگیریم و وقت را بیشتر از آن به هدر ندهیم. از این منظر نشست دوم عیان شدن واقعیتی بود که هنوز به اختلافات و تشتت دامن زدن نهادینه مجهزیم! هنوز به جای جستجوی راه حل قادریم که فقط با پاک کردن صورت مسئله سعی در درجا زدن داشته باشیم و با مکت کردن دل خوش کنیم.

با این اوصاف اما: هنوز فرصت داریم که قبل از نشست سوم و باتجارب دو نشست گذشته این موانع را از سر راه برداریم و با توجه به تعهداتی که در سطح جنبش ایجاد نموده ایم با قدرت و قاطعیت این امر مهم را به سرانجامی مطلوب برسانیم. به اعتقاد من نشست مشترک در اجلاس سوم خود باید خود را آماده به تصویب رساندن یک پلانفرم سیاسی و اساسنامه کند که گام بعدی تصویب سه اصل محوری و بنیادی در نشست اول باشد.

به هر رو رفقا ما امروز در خارج از کشور هستیم و حیات سیاسی ما در گرو ایجاد ارتباط با طبقه کارگر و جنبش انقلابی مردم در داخل ایران است.

وظیفه کمونیست ها و روشنفکران مدافع طبقه کارگر این است که این طبقه را در جهت تسخیر قدرت سیاسی یاری دهد. ما نمی‌توانیم حزب انقلابی طبقه کارگر را در خارج از ایران و به دور از خود طبقه بسازیم اما می‌توانیم تدارک این امر را در جهت ایجاد بلوک چپ انقلابی که بتواند یک قطب قوی در جهت متشکل کردن نیروهای سیاسی و منفردین و کسانی که از جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند را فراهم سازیم.

## کار - نشست مشترک تاکنون در زمینه وظایفی که پیش روی خود قرار داده چه فعالیت عملی انجام داده است؟

رفیق فاطمی- به نظرم نشست مشترک علی‌رغم تمامی مشکلات و موانعی که پشت سر گذاشته و یا پیش رو خواهد داشت، پی گیرانه مبارزه کرده و به منظور راهیابی برای اجرای تا سرحد ممکن، مصوبات تا کنونی خود جهت عملی ساختن این استراتژی گام‌های مهم برداشته اگرچه ناکافی اما قابل ملاحظه است. صرف نظر از نشست های محلی و مشورتی و سمینارهای متعددی که چه در عرصه کار توضیحی و تبلیغی در عرصه بولتن های نظری نیز که شماره اش اکنون به ۷ رسیده تلاش هایی را عملاً دامن زده است. اگرچه شورای هماهنگی در قوام بخشیدن به روند رشد تشکیلاتی نشست مشترک توجه زیادی نکرده و کم توجهی به ارتباط ارگانیک و پیوسته نهاد ها و واحد هایی که می‌تواند به رشد اساسی این اجلاس یاری رسانند خود از ضعف‌هایی است که تا به امروز نشست مشترک به واقع شورای هماهنگی نتوانسته آن را برطرف سازد. در عین حال هنوز ما از داشتن یک آدرس برای تماس مستقیم و یا سایت اینترنتی که بتواند ارتباطات را پویا گرداند، بی بهره ایم.

من فکر می‌کنم در این دوره ای که جهان به دهکده‌ای کوچک تبدیل شده باید ارتباطمان را قوی‌تر کنیم و بیشتر با ایران ارتباط برقرار سازیم. با توجه به امکانات رفت و آمد به ایران، با داشتن رادیویی قوی که بتواند در همه ده کوره‌ها این صدا را شنید و یا پایه وجود آوردن امکانات تصویری رابطه‌ها را در ایران باید به وجود آورد. باید برای ایجاد ارتباطات داخلی و گسترش آن راه را برای ورود بی واسطه ایده های سوسیالیستی در جنبش رو به اعتلای کنونی فراهم نمود و مقدمات کار را با ایجاد ارتباطات داخلی و گسترش این ارتباطات عینیت بخشید. با نگاهی به دورنمای این تحولات تنها پس از حدود دو سال از تشکیل این اجلاس می‌توانیم اکنون به راحتی مشاهده کنیم که نیروهای در حاشیه مانده و عمدتاً غیرپرولتاری با انتشار شتابان اساسنامه و میثاق نامه و منشور آزادی و تشکیل جبهه همبستگی و غیره . . . می‌کوشند خود را به سطح مطالبات جاری برسانند. این مسئله بیانگر این است که نشست مشترک بر روی پروژه درست و بنیادی جنبش انگشت نهاده است و نبض تاریخی وظایف این جنبش در آن می‌تپد و گامی به جلو، در این راه رفقا، خودمان را به واقع جدی بگیریم!

کار- به برخورد ضعیف و سست نشست دوم به مسئله زنان اشاره کردی در این زمینه چه انتظاری از این نشست داشتی که برآورده نشد؟ چه چیزهایی باید تصویب می شد؟

رفیق فاطمی- برای بررسی برخورد نشست دوم به مسئله زنان، در وهله اول باید نیم نگاهی به نشست اول و مصوبه های آن در مورد مسائل زنان داشته باشیم. درعین حال نباید از نظر دور داشت که برخوردهای سنتی و محافظه کارانه به مسائل زنان به باور من پدیده ای نیست که فقط بخواهد به این گونه نشست ها ختم شده باشد بلکه ناشی از تفکری است که قرن های متمادی حاکم بوده است. در واقع باید گفت تفکر مردسالاری ریشه ای عمیق و کهن در فرهنگ و آداب و عادت های ما دارد و بالطبع گروه ها و احزاب سیاسی چپ و کمونیست نیز به عنوان پدیده ای اجتماعی تحت تاثیر این گونه روابط قرار دارند. همان طور که اشاره داشتم در نشست اول کمیسیون های متعددی شکل گرفت که یکی از این کمیسیون ها کمیسیون زنان بود. اما در فاصله بین دو نشست اول و دوم هیچگونه فعالیت عملی در این باره وجود نداشت. در نشست دوم انتظار این بود که این کمیسیون با طرح مطالبات بخواهد کارش را جدی بگیرد و طرح مطالبات زنان را یکی از موارد کاری خود به حساب آورد اما در نشست دوم نه تنها از پیگیری این مهم خبری نشد حتا بحثی هم در این مورد برای افراد شرکت کننده به وجود نیامد و به نوعی مسائل زنان در آن اجلاس به خود زنان واگذار گردید. این درحالی است که در رابطه با مسائل کارگری و دیگر مسائل اجتماعی رفقا ما را از ماست بیرون می کشیدند و در رابطه با تبیین مواضع خود در مورد آلترناتیو و مبارزه طبقاتی و . . . به کمتر از مارکس و لنین هم رضایت نمی دادند. و این برخورد پسیفستی به مسئله زنان نگرانی هایی را دامن زده است. انتظاراتم از این نشست در مورد مسئله زنان چه بود؟ در این مورد باز نگاهی به گذشته می اندازیم و از تجربیات گذشته است که می توان با هر پدیده ای برخورد مشخص نمود. بانگاهی کوتاه به تاریخچه مبارزات زنان از سال ۵۷ تاکنون درمی یابیم که این جنبش در دو دهه گذشته تابه امروزه تنها افت نکرده بلکه امروز با مطالبات مشخص خود به یکی از مبارزترین و پی گیرترین جنبش های اجتماعی در مقابل رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این جنبش قدرتمند در ایران با اهداف و خواسته های مشخص و فرموله شده یکی از پیشرفته ترین مطالبات رادربخش زنان در سطح جهان آن طالب می باشد. اگر در مقطع قیام اهداف و خواسته ها نا معلوم و گنگ بود اما امروز دیگر این چنین نیست. امروز جنبش زنان در پیوند با طبقه کارگر ایران باید خود را برای یک نبرد نهایی و برای برقراری یک حکومت آلترناتیو شورایی در جامعه ایران امکان پذیر سازد و اگر گروه های چپ و نیروی های کمونیست مدافع حقوق زنان نتوانند این جنبش را در راه رسیدن به اهداف و مطالباتش یاری رسانند بازهم دچار همان گنج سری ها و سردرگمی ها خواهند شد که در سال ۵۷ مبارزات زنان را مبارزه ای انحرافی و خواسته های برحق زنان را خواسته های بورژوازی قلمداد می کرد و مبارزه زنان برای آزادی و داشتن حق انتخاب برای پوشش و مبارزه علیه حجاب را حرکتی در دفاع از فحشاء برپایی عشرتکده ها و ازدستاوردهای فرهنگ سرمایه داری توجیه می نمود و در نهایت نیز به بهانه مبارزه با امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی مسئله زنان جزء فرعیاتی قرار می گرفت که گویا قرار است در فردای روشن سوسیالیسم به آنها پرداخته شود! دو دهه تجربیات مبارزاتی زنان بعد از قیام تا به امروز این موضوع را ثابت کرده که سازمان ها و نیروهای چپ و کمونیست به یک بازنگری در رابطه با مسئله زنان نیازمندند و اگر اعتقاد به این اصل داشته باشیم که هیچ انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید از این منظر به باور من یکی از مهم ترین وظیفه شورای هماهنگی نشست مشترک فعال تر کردن زنان علاقمند در حرکت و ائتلاف می باشد و با ایجاد زمینه هایی که زنان فعال جنبش زنان بخواهند با علاقمندی در این

اجلاس ها حضور یابند و با طرح شعارهای رادیکال و فعالیت های مستمر، ارتباط با زنان مستقل و چپ را که در حال حاضر صرف فعالیت های زنان خود را از این گونه نشست های سیاسی به دورنگاه می دارند را فراهم سازد. مسئله زنان رابهنان حواله دادن شایسته نیروهایی که عزم جزم نموده اند تا در جنبش مردمی ایران نقش ارزنده و انقلابی ایفا نمایند نیست. مبارزه زنان و رهایی زنان از قید و بند اخلاقیات جنسی و مذهب به حقیقت می پیوندد که جامعه نیز از نظام سرمایه داری رهایی یابد و شکی نیست که برابری زن و مرد در چارچوب سرمایه داری امری محال است و تنها در سوسیالیسم است که می توان به یک برابری واقعی دست یافت و این امر مبارزه ای جدی و همه جانبه را می طلبد که بتوان با درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی از یک سو و ازسوی دیگر با درهم شکستن پایه های مادی و فرهنگی مردسالاری از سوی دیگر زمینه های مادی برابری واقعی زنان و مردان را در جامعه فراهم آورد. این امر در صورتی متحقق می شود که نبرد علیه مرد سالاری به آینده های نامعلوم محول نشود. چرا که به اعتقاد من مبارزه علیه مرد سالاری جزئی جدایی ناپذیر از مبارزه طبقاتی است و به بیانی دیگر مبارزه علیه فرهنگ و همه ظواهر مردسالاری به همراهی همه رفقای کمونیست نیاز است که باید در کنار مبارزه طبقاتی، مبارزه علیه سکتاریسم جنسی را که به عنوان دوروی یک سکه لازم و ملزوم یکدیگرند در یک سنگر از وظایف اصلی و فوری به حساب آورند. رفقا با نگاهی به دواجلاس گذشته و به تناسب رفقای شرکت کننده در آن حضور فیزیکی زنان نه تنها چشمگیر بود بلکه عدم حضور این رفقا در این گونه سمینارهای سیاسی نمی تواند خبر خوبی برای همه فعالین کمونیست در نشست مشترک باشد.

برمی گردم باز به سؤال شما که اشاره داشتید چه چیزهایی باید در این نشست در مورد زنان به تصویب می رسید؟ اگر نگاهی به بیانیه پایانی نشست مشترک دوم بیاندازیم در آن بیانیه در بندهای چهارم از وظایف این شورا آورده شد که نشست مشترک مداخله در جنبش اجتماعی زنان ایران و دفاع از خواست ها و مطالبات آنان را در مقابله با نظام سرمایه داری و مرد سالاری و مذهبی حاکم را از وظایف خود می شناسد و . . . و در ادامه آورده شد که در این راستا بخشی از بولتن به مباحث این مبارزه اختصاص خواهد یافت! باید از رفقای عزیز در شورای هماهنگی پرسید از نشست دوم تا به امروز چیزی حدود ده ماه می گذرد و در این فاصله ۲ بولتن مباحثات نیز انتشار یافته کدام بخش از این بولتن ها در مورد مسائل زنان بحثی را فراهم ساخته و یا در این فاصله که رژیم جمهوری اسلامی چندین مورد اعدام و سنگسار را در ایران به مرحله اجرا در آورده و یا اینهمه سر و صدایی که در مورد ایجاد خانه های عفاف از طرف رژیم بر پا شده و یا در مورد لغوموقتی سنگسار در ایران شورای هماهنگی نشست مشترک چه موضعی را در این باره اتخاذ کرده است، با نگاهی به بولتن مباحثات شماره ۷ در طرح ها و پلانترمی که نیروها و سازمان های کمونیست و منجمله سازمان فدائیان ( اقلیت ) برای نشست سوم ارائه داده اند در بخش مطالبات زنان به نظرم جز کلی گویی چیز دیگری نیست و به قولی سعی شده در این باره رفع مسئولیت کنند. به پلانترم پیشنهادی بخشی از اعضا شورای هماهنگی که به باور من می تواند پلانترم آلترناتیو در تعیین سرنوشت برای نشست سوم نیروهای کمونیست و چپ باشد تنها در بند ۴ در رابطه با اقدامات فوری در تغییر وضعیت اجتماعی زنان خواهان لغو فوری همه قوانین و مناسبات مبتنی بر تبعیض جنسی و تامین برابری کامل زنان و مردان در حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی شده است و گویا قرار شده بود بودجه ای هم برای برچیدن همه بقایا و آثار جامعه مردسالار از زندگی فردی و اجتماعی زنان به آن اختصاص بدهد!!!

خوب می بینیم که در این برنامه حداقل و اقدامات فوری همه چیز کلی بیان شده است، سؤال مشخص من از رفقای شورای هماهنگی این است که در این رابطه اقدامات فوری! آیا بامسئله آزادی سقط جنین و قانونی بودن این امر و یا مسئله فحشاء و خشونت و آزادی جنسی در خانواده، آزادی حق انتخاب جنسی و حقوق همجنس گرایان، و به موضوع مذهب

و تعیین تکلیف با این پدیده در زندگی مردم به طور عام و در زندگی زنان به طور خاص اشاره ای شده است؟؟؟

و آیا می توان امیدوار بود که در نشست سوم این موارد هم به پلانفرم پیشنهادی شورای هماهنگی و یا دیگر پلانفرم های پیشنهادی اضافه شود؟؟ به باور من هر کدام از این پدیده ها که به آن اشاره شد نیازمند بندهای جداگانه با تعریف و تفسیر خاص خود می باشد. باید به شکل کنکرت و در بندهای جداگانه با مذهب تعیین تکلیف نمود و سنن و فرهنگ ارتجاعی و مردسالاری و ناسیونالیسم را به چالش گرفت. باید به طور واضح به مردم بگوییم که ما در مورد مشخص زنان چه می خواهیم! صرف مبارزه با همه تشنه ها و عقاید مردسالار و برجیدن این بقایا و آثار آن . . . که کلی گویی بیش نیست. پرداختن به مسئله زنان واصل شدن آن و از تابو درآمدن بخش زیادی از مسائل مربوط به آن می باید به برنامه و عمل فراتری از حداقل ها باشد. بی اعتنایی و یا کم توجهی به این امر می تواند در آینده نتایج نامطلوبی را به ارمغان آورد. چرا که زن ها به عنوان نیمی از جمعیت انسانی و میلیونی در ایران با مطالبات مشخص خود یکی از پر قدرت ترین جنبش های مبارزاتی در ایران است و این نیمی از جمعیت می خواهد که در تمامی عرصه های مبارزاتی تاثیرگذار باشد.

### کار- نشست نیروهای چپ در رابطه با مسئله زنان چه باید بکند؟

رفیق فاطمی- من در پاسخ به سؤال قبلی در رابطه با زنان به طور کلی نظراتم را بیان کردم. تنها یک مورد را می خواستم به عنوان یک پیشنهاد برای تدارک برگزاری نشست سوم به رفقای شورای هماهنگی یادآوری کرده باشم ، این که رفقا حتما اگر تصور بر این باشد که ۱٪ زنان علاقمند به همکاری با نشست مشترک چپ به علت مشکلات ناشی از مسائل خانوادگی و نگهداری از فرزند و یا فرزندان خود امکان شرکت در این گونه سمینارها برایشان ممکن نیست می توان با ابتکار و اقداماتی در این باره و برپایی محلی برای نگهداری از کودکان زمینه را برای شرکت رفقای زن علاقمند به این گونه نشست ها فراهم آورد . زنان بیشتری در این سمینار و جلسات سیاسی مشارکت عمومی داشته باشند. مطمئن هستم که این اقدام شدنی می باشد و تجربه اش حداقل در سمینارهای بنیاد پژوهش های زنان که هر ساله برگزار می شود مثبت بوده است.

### کار- نشست چه وظایف عملی را می تواند در دستور کار فعالان آن قرار دهد؟

رفیق فاطمی- باید در جهت تبلیغ و ترویج برنامه ها و مصوبات نشست کوشش کرد و تشکیلاتی ایجاد کرد که در حد توان بتواند با نیروهای درگیر در نقاط مختلف ضمن گسترش ارتباطات و رشد کمی و کیفی خود، در ارتقاء سطح دانش نظری، فعالین این نشست، و با استفاده از امکانات تکنیکی مدرن از پال تاک و . . . و با ادامه سمیناری توضیحی دست به کمپین سلسله وار و سیستماتیک جهت به حرکت درآوردن اهداف نشست مشترک و بازتاب دستاوردهای آن یاری رساند. یقینا حرکت به هر اندازه حتما در قدم های اول به کندی صورت پذیرد تاثیرش را در پروسه تکوینی خود به دنبال خواهد داشت و نقاط ضعف و یا قوت آن را نمایان خواهد کرد. به ویژه این که شرایط جهانی به گونه ای پیش می روند که این گونه ارتباطات اجتناب ناپذیر شده اند. من در بخش هایی از پرسش شماره ۲ به این امر اشاره داشتم که یکی از وظایف عملی این نشست برقراری ارتباط از طرق صوتی و تصویری که رو به سوی ایران داشته باشد را باید در دستور کار فعالین نشست مشترک قرار بدهد.

برنامه عملی واحدها چه باید باشد؟

سؤال من این است که این که خود این واحد ها اساسا شکل گرفته اند یا نه؟ چگونه و کی؟ و چه وقت در دستور کار شورای هماهنگی قرار داده شده است. برایم سؤال بود که اخیرا با سمینارهایی که این واحد در چند کشور برگزار نمودند از آن با خبر شدم! و دقیقا به همین دلیل است که به علت عدم دسترسی به سیستم تشکیلاتی، از تصمیمات و اطلاع

رسانی سازمان یافته گسترده ای برخوردار نیستیم. بهتر است اول از همه سر و سامانی به این سیستم کارها داده شود تا به جای فقط شورای هماهنگی، هماهنگ نیز عمل کنیم، به باور من هنر اساسی این است که بدنه این تشکیلات که در کشورهای مختلف درگیر این نشست مشترک هستند را به میدان کشید تا کمی هم از بار مشکلاتی را که بردوش رفقای شورای هماهنگی سنگینی می کند کاسته شود. سازمان - دهی واحدهای نشست براساس ضوابط تشکیلاتی که چهارچوب آن می باید روشن شود از مهمترین کارهایی است که در آینده باید به آن پرداخت. واحدها نیز به فراخور حال خود و با توجه به شرایط اقلیمی و موقعیت های محلی برنامه عمل و آئین نامه ها و پلانفرمی را که امید است ماحصل نشست سوم باشد به کار خواهند بست تا بتوانند به اندازه توان خود در این روند تاثیرگذار باشند.

### کار- چشم انداز این اتحاد را چگونه می بینی؟

رفیق فاطمی- من در پاسخ به سؤال دوم به نوعی به این موضوع اشاره داشتم، یک اتحاد عمل پایدار سیاسی اگر قرار باشد پاسخگویی دگرگونی باشد روند انقلابی جامعه باشد نیاز دارد که در وسیع ترین شکل ممکن امکان مشارکت همه نیروهایی که شالوده فکری و نظری شان در راستای اهداف نشست مشترک دور می زند را فراهم آورد. از این رو اتحاد عملی که مورد نظر ماست و در بیانیه سیاسی خود به روشنی چشم انداز تحولات را با چنین ابزاری از اتحاد یا شفافیت تمام ابراز کردن و توانسته با حرکت های کنونی خود دخالتگری آینده ای را پیش روی خود ترسیم نماید که سالها مبارزه برای تهیه همین ابزار و اشکال نیروی زیادی را صرف خود کرده است. این اتحاد به باور من آغاز گر راهی شده که می باید با تلاش های بیشتر از گذشته به بدیلی انقلابی و شورایی فراروید. در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که اگر قرار باشد این اتحاد با آنچه که تا کنون وجود داشته و تحت لوای اتحاد و ائتلاف های گوناگون در سطح جنبش مطرح بوده و توانی بیشتر از ارائه برنامه عمل غیر پرولتری و همه باهم و با درکی غیر طبقاتی افق ناروشنی را دنبال می کرد متمایز شود، باید ضمن دفاع از مواضع تاکنون اتخاذ شده با جدیتی دوچندان شروع به ایجاد تشکیلات سرتاسری کند و طرح هایی بخصوص در داخل کشور مهر و نشان آلترناتیو خود را داشته باشد.

نشست مشترک به باور من در اجلاس سوم باید به تصویب رساندن پلانفرم و پرداختن به ساختار تشکیلاتی آن و تعیین یک نام مشخص به جای نشست مشترک، به یک نیروی قدرتمندی در مقابل بورژوازی و احزاب رنگارنگ آن تبدیل شود. چرا که در این راه نیروهای ارتجاعی و بورژوازی برای حفظ سیستم سرمایه در ایران سعی فراوان خواهند کرد که به هر قیمت جلوی نیروهای ترقی خواه و چپ و کمونیست را سد نمایند و در این راه نیز تنها نیستند.

سرمایه داری جهانی اگر نتواند رژیم فعلی را حفظ کند. طیف های مختلف نیروهای جناح راست درون حاکمیت تا اپوزیسیون بورژوازی و نیروهای به اصطلاح چپ! که بنابه ماهیت طبقاتی خود در این صف بندی ها با مواضعی که کسب کرده اند بعضا رادیکالیسم در حرف و رفرمیسم در عمل را تبلیغ و ترویج می کنند و عمدتا برای گذار و عبور از این یا آن جناح از رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی تلاش دارند مانع از تحولات رادیکال شده و برای مقاصد "دمکراتیک!" خود حاضرند با بورژوازی نیز همدست و هم پیمان شوند و با طرح منشور و جبهه و مجلس موسسان و میثاق و . . . جزء نیرو های خواهند بود که سعی در جلوگیری از انقلابی تمام عیار با حفظ سیستم سرکوب بوروکراسی تلاش برای تجدید قوای این نیروها را فراهم آورند. اما توازن قوای طبقات و مبارزات جاری چیزی خلاف این را نوید می دهد نیروهای چپ و کمونیست ها برای دخالتگری فعال و ایجاد ارتباط ارگانیک و برقراری این ارتباط با فعالین جنبش کارگری و جنبش زنان، دانشجویان و در یک کلام همگام با جنبش اعتراضی مردم باید فعالیت های مبارزاتی خود را رو به ایران هر چه سریعتر آغاز نماید. و از این رو من افق روشنی را در این روند اتحاد عمل پایدار سیاسی می بینم.



را بسیار کم تر از آنچه هست اعلام می کنند. از تظاهرات چند میلیونی سخن به میان آوردند. به راستی نیز ابعاد این تظاهرات در همه جا در نوع خود کم نظیر بود. در اسپانیا حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در مخالفت با جنگ در خیابانهای بارسلون تظاهرات کردند. در ایتالیا تعداد تظاهرکنندگان به متجاوزان ۲ میلیون رسید. در لندن ۲ میلیون تن دست به تظاهرات زدند. در این روزها دهها شهر آمریکا نیز شاهد قدرت نمایی جنبش عظیم ضد جنگ بود. در شهر نیویورک مقامات پلیس، به بهانه های واهی و در واقعیت امر در وحشت از ابعاد بی سابقه این حرکت اعتراضی، اجازه راهپیمایی به تظاهرکنندگان ندادند و تلاش داشتند که تمام مراکز اصلی و مرکزی شهر را به روی تظاهرکنندگان ببندند. اما حضور بیش از یک میلیون نفر از مخالفین جنگ در این شهر، مقامات پلیس را واداشت که عقب نشسته و تظاهرکنندگان در یکی از مناطق مرکزی شهر تجمع نمودند. این تجمع به زد و خورد پلیس با بخشی از تظاهرکنندگان و بازداشت دهها نفر منجر شد. گذشته از این، در آنسوی دیگر آمریکا و در شهر سانفرانسیسکو نیز دهها هزار نفر به خیابانها آمده و اعتراض خود را با اقدامات جنگ طلبانه امپریالیستهای آمریکایی به نمایش گذاشتند.

در برلین تعداد شرکت کنندگان در تظاهرات ۵۰۰ هزار نفر اعلام شد. در آتن بیش از ۳۰۰ هزار تن در تظاهرات شرکت کردند. در استرالیا، در دو تظاهرات حدود نیم میلیون تن شرکت داشتند. در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه تعداد تظاهرکنندگان به ۴۰۰ هزار رسید. در کپنهاگ بیش از ۴۰ هزار نفر در مقابل سفارت آمریکا تجمع کردند و سپس دست به راهپیمایی زدند.

در کشور کوچکی همچون هلند، متجاوزان از ۱۰۰ هزار نفر در تظاهرات شرکت نمودند. در بسیاری دیگر از کشورهای جهان از جمله ژاپن، هند، کره، ایرلند، سوئد و دهها کشور دیگر نیز صدها هزار تن در خیابان هادست به تظاهرات زدند.

تظاهرات روز ۱۵ فوریه، قدرت نمایی بزرگ توده های زحمتکش مردم جهان علیه نه فقط جنگ، بلکه علیه امپریالیسم و سیاستهای جنایتکارانه و توسعه طلبانه و امپریالیستی انحصارات جهانی بود. شعارهای شرکت کنندگان اغلب کشورهای جهان این بود که این جنگ به خاطر نفت و سلطه طلبی و سود است. این جنگ ما نیست.

این تظاهرات سیلی محکمی بود که توده های کارگر و زحمتکش جهان به سگ های زنجیری انحصارات جهانی به ویژه بوش و بلر زدند و به آنها فهماندند که این طور نیست، مردم آرام بنشینند و آنها به هر جنایتی که خواستند دست بزنند.

## گزارش کوتاهی از برگزاری مراسم گرامیداشت حماسه سیاهکل

آلمان - هامبورگ

زندانیان سیاسی ایران ( در تبعید ) واحد سوئد، هسته اقلیت واحد سوئد وانجمن الغاء کار کودکان، پیام هایی در همبستگی با برگزارکنندگان این مراسم که حدود ۱۵۰ نفر در آن شرکت کرده بودند، ارسال گردید.

کانادا - ونکوور

در ونکوور کانادا نیز روز ۱۹ بهمن، مراسمی در بزرگداشت حماسه سیاهکل توسط واحد سازمان در این شهر برگزار گردید. در این مراسم ابتدا پیام رفقای واحد ونکوور قرائت شد و مراسم با اجرای ترانه سرودهای انقلابی و شعرخوانی ادامه یافت. سپس رفیق علی فرمانده یکی از رفقای روابط عمومی سازمان به سخن رانی پرداخت. در این مراسم، همچنین پیامی از سوی رفقای هواداران سازمان در اتاوا که برای برگزارکنندگان مراسم ارسال شده بود، خوانده شد. پیام های تبریکی از سوی هواداران سازمان در شهر های ادمونتون و تورنتو به این مراسم ارسال شده بود. در پایان رفیق سخنران به پرسش هایی که از سوی حاضرین مطرح گردید، پاسخ داد.

از صفحه ۲ شق ثالثی وجود ندارد

### دمکراسی شورایی یا ارتجاع سیاسی

اتفاق قرار بود که چند سال دیگر هنگامی که کار از کار گذشته رخ دهد چه بهتر که اکنون رخ داده است و همه با چشم خود دیدند و با گوش خود شنیدند که چگونه آنها دست در دست یکدیگر علیه کمونیست ها دست به کار می شوند. بهتر از این نمی شد که نشان داد، چگونه دفاع از مجلس موسسان و نهادهای بورژوازی، چپ نمای لیبرال - رفرمیست را که فریبکارانه از کارگر و زحمتکش هم حرف می زند، در کنار راست ترین و هارترین جناح - های بورژوازی قرار می دهد.

نتیجه ای که ما باید از این رویدادها بگیریم، این است که باید نقش سازمان مان را در جریان تحولات انقلابی که در ایران به وقوع خواهد پیوست به درستی بشناسیم. ما باید این حقیقت را دریابیم که کارانی شعارها، تبلیغات و اقدامات عملی مان تا همین لحظه نیز تا به آن حد هست که بورژوازی و عوامل سرسپرده آن را به واکنش واداشته است. ما باید تبلیغات خود را برای افشای تاکتیک ها و شعارهای بورژوازی و در رأس آنها شعار مجلس موسسان دوجندان کنیم و پیگیرانه دمکراسی شورایی کارگران و زحمتکشان و کنگره نمایندگان شورا - ها را بدیل آن قرار دهیم.

ما باید تلاش کنیم که صف بندی میان طرفداران حکومت کارگری و دمکراسی شورایی با طرفداران مجلس موسسان و حکومت بورژوازی، شفاف تر و روشن تر شود. ما باید بکوشیم که این حقیقت را بیش از پیش روشن سازیم که شق ثالثی وجود نخواهد داشت، یا دمکراسی شورایی یا ارتجاع سیاسی.

سی و دومین سالگرد حماسه سیاهکل، روز ۱۹ بهمن ( ۸ فوریه ) در هامبورگ آلمان برگزار شد. این برنامه از سوی فعالین سازمان ما، هسته اقلیت، حزب رنجبران، اندیشه و پیکار، شورای ایرانیان هامبورگ و جمعی از فعالین کمونیست هامبورگ برگزار گردید. مراسم با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد. سپس پیام کمیته برگزار کننده قرائت گردید. ارائه تاریخچه مختصری از سیاهکل توسط رفیق محمد، بخش دیگر برنامه بود. سپس رفیق توکل، به سخنرانی پرداخت. " اوضاع جهانی در مقطع سیاهکل (سال ۴۹) و نگاهی به اوضاع فعلی بین المللی تم این سخنرانی بود. سپس شاعر آزاده، نعمت آرم به شعرخوانی پرداخت. سپس خواننده مبارز فرانسوی، خانم آلین به اجرای ترانه سرودهای مترقی به زبان های آلمانی، فرانسوی، فارسی، کردی، اسپانیایی و ترکی پرداخت. اجرای دو ترانه سرود توسط گروه کر شورای ایرانیان هامبورگ، پایان بخش قسمت اول برنامه بود. نیمه دوم مراسم با شعرخوانی شاعر انقلابی، رفیق عباس سماکار به همراه موسیقی هنرمند گرمی اسفندیار منفرد زاده آغاز شد. پس از شعر خوانی اسفندیار منفرد زاده به اجرای قطعاتی با پیانو پرداخت و چند ترانه نیز اجرا نمود. سپس بار دیگر خانم آلین به اجرای چند ترانه پرداخت. پایان بخش برنامه سیاهکل در هامبورگ که به همت فعالین سیاسی از طیف های مختلف برگزار شده بود، ترانه سرود های بهاران خجسته باد و انترنا - سیونال بود.

سوئد - استکهلم

در استکهلم پایتخت سوئد نیز روز ۱۹ بهمن ( ۸ فوریه ) مراسمی در بزرگداشت خاطره حماسه سیاهکل برگزار گردید. در این مراسم که از سوی واحد سازمان ما در سوئد، همراه با هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (سوئد) و سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی (سوئد) برگزار شد، پیام مشترکی که توسط برگزارکنندگان تهیه شده بود، قرائت گردید. سپس رفیق نادریکی از رفقای روابط عمومی سازمان در مورد سیاهکل به سخنرانی پرداخت. شعرخوانی یاور استوار و اجرای سرودهای انقلابی توسط گروه هنری سیاهکل و گروه هنری شلیایی، بخش دیگری از این مراسم بود.

از سوی کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران، کمیته مرکزی سازمان زحمتکشان کردستان ( کومه له )، حزب کار ایران - (طوفان) - واحد استکهلم، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - استکهلم، کانون

فصاحت‌های سیاسی و آنارشی حاصل از آن موجب شد که بار دیگر شرایط به نفع نیروهای چپ تغییر کند. چنین نیز شد. در انتخابات ژانویه ۲۰۰۳ حزب کارگر با طرح (تاکید می‌کنم صرفاً با طرح) مواضع نسبتاً چپ موفق شد آراء را به نفع خود تغییر دهد و پس از دمکرات مسیحی‌ها، دومین حزب در پارلمان شد. در این میان کرسی‌های حزب نوظهور و پوپولیست LPF به یک سوم کاهش یافت.

در واقع حزب کارگر با پزهای انتخاباتی چپ و با در دست داشتن رسانه‌های گروهی و جلب افکار عمومی به نفع خود توانست بخشی از آرائی را که به نیروهای چپ مجلس (ما و حزب سبزها) تعلق داشت، از آن خود کند. در مجموع می‌توان گفت که مردم در انتخابات اخیر اشتباه سال گذشته خود را به شکلی اصلاح کردند و تا اندازه‌ای به چپ چرخیدند. اما مسلم است که حزب کارگر که به زودی در کابینه ائتلافی با دمکرات مسیحی شرکت خواهد کرد، ماهیت خود را نشان می‌دهد و راهی ندارد جز پشت پا زدن به وعده‌های انتخاباتی اش. همین امر در دراز مدت و طی سال‌های آینده به نفع ما و نیروهای مترقی هلند است. به شرطی که ما بتوانیم به همراه جریان‌های چپ در مجلس و از طرف دیگر شرکت در مبارزات مردم، بلوک چپ را تقویت کنیم.

کار- شما هم‌کنون ۹ نماینده دارید، حزب سبزها ۸ نفر. با توجه به توضیحی که از وضعیت حزب کارگر نمودید، مجموع کرسی‌های چپ ۱۷ از کل ۱۵۰ کرسی می‌باشد. چگونه با این اقلیت، قادر خواهید بود، مواضع خود را پیش ببرید؟

بومل- ما در درون مجلس ممکن است نقطه نظرات، طرح پیشنهادیمان در اقلیت باشد، اما ما خود را محدود به فعالیت در چارچوب پارلمان نمی‌کنیم. ضمناً بخشی از پایگاه حزب کارگر سنتاً نیروهای چپ اند که در فضائی از توهم به حزب کارگر رای دادند و در پروسه از آن روی برخوانند گرداند. حزب ما به موازات شرکت در پارلمان همواره در محلات، کارخانه‌ها و در سطح توده‌ای به سازماندهی و بسیج پرداخته است. بی‌جهت نیست که با این که ما ۹ کرسی در مجلس داریم، به لحاظ تعداد اعضاء، حزب ما در رده چهارم قرار دارد. طی سه سال گذشته، تعداد اعضاء حزب ما ۲ برابر شده است. آنهم اعضائی که دو سوم آنها به طور فعال در پیشبرد فعالیت‌های حزبی حضور دارند. برخلاف سایر احزاب که عضویت در آنان، عمدتاً شبیه عضویت در سازمان‌های خیریه است که اعضاء ماهانه مبلغی پرداخت می‌کنند تا وجدانشان راحت باشد، در حزب ما، اعضایمان فعالانه در پیشبرد امورات همکاری می‌کنند. همان‌طور که اشاره کردم جامعه هلند که سالها به خاطر رفاه و تأمین اجتماعی، ثبات نسبی داشت، هم‌اکنون به

علت معضلات اقتصادی و بیکاری و افزایش فقر در حال پلاریزه شدن است. انعکاس قطبی شدن جامعه در عرصه سیاست هم طلب می‌کند که احزاب چپ و سوسیالیست هر چه بیشتر برای سازماندهی این نیروها حرکت کنند و نه این‌که خود را به مجلس و پارلمان محدود نمایند. چپ ما اگر این مسئله را به فراموشی سپارد، در حقیقت شمارش معکوس خود را آغاز کرده است. مثلاً حزب سبزها در سراسر اروپا طی سال‌های گذشته همین که به پارلمان راه یافتند، مبارزات پیشین خود در زمینه محیط زیست و... را به تدریج کنار گذاشتند. همین امر موجب شد بسیاری از فعالین محیط زیست از این احزاب فاصله بگیرند. علت کاهش محبوبیت حزب سبزها، خصوصاً در هلند همین مسئله است. چرا که این حزب خود را درگیر مبارزه روزمره مردم در کارخانه، در مدرسه و... نمی‌کند و همین موضوع موجب از دست دادن پایگاه آنها می‌شود.

کار- از مشارکت در مبارزات توده‌ای و کارگران صحبت کردید. با توجه به اهمیت که شما به آن اشاره کردید، حزبتان چگونه در جنبش کارگری هلند مداخله می‌کند و اصولاً وضعیت جنبش کارگری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بومل- در هلند، پس از جنگ جهانی دوم، سنتاً اتحادیه‌های بزرگ غیر مستقیم وابسته به حزب کارگر و حزب دمکرات مسیحی هستند. در دوره‌هایی که حزب کارگر ایده‌های سوسیال دمکراسی را پای‌بند بود، رادیکالیسم بیشتری در اتحادیه‌های کارگری وابسته به آن به چشم می‌خورد. به تدریج که این ایده‌ها کنار گذاشته شدند، رد پای آن را در رهبری اتحادیه مشاهده می‌کنیم. طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ که به لحاظ اقتصادی، تأمین اجتماعی به دنبال مبارزات کارگری حاصل شده بود، طبیعی است که در بدنه این اتحادیه‌ها اعتراض و ناراضی‌های از سیاست‌های رهبری مشاهده نمی‌شد. طی سال‌های اخیر و با کاهش خدمات اجتماعی و متعاقباً پلاریزه شدن جامعه، ناراضی‌های در میان اعضاء افزایش می‌یابد. اما رهبری این اتحادیه‌ها که سیاست‌های خود را با احزاب مذکور هماهنگ می‌کنند، سعی در جلوگیری از اعتراضات کارگری می‌نمایند.

حزب ما از این زاویه که تشکل کارگری وابسته به خود را ندارد، قادر به مانور دادن نیست. تنها راهی که موجود است این است که با حمایت از مبارزات کارگری و برپایی اعتصابات - بات، در حد توان خود برای جنبش تأثیر گذار باشیم. نمونه اخیر، اعتصاب سراسری کارگران بنادر اروپا بود که در اوائل ژانویه برپا شد. اتحادیه‌های هلند مانند کبک سر خود را زیر برف کردند تنها حزبی که اعضاء شاعل خود را در بنادر برای پیوستن به اعتصاب دعوت کرد و از آن حمایت کرد، حزب ما بود. طبیعی است که در پروسه چنین فعالیت‌هایی بخشی را به حزب جذب کنیم. در دوره گذشته نماینده اتحادیه کارگران و کارمندان راه‌آهن به حزب ما پیوست که این امر یک موفقیت است و در همین راستا باید حرکت کنیم.

در رابطه با جنبش کارگری هلند نیز در آینده

با تشدید وخامت اوضاع اقتصادی، بیکاری و کاهش خدمات اجتماعی شاهد تحرک و رادیکالیسم خواهیم بود. یکی از تأثیرات مثبت "جامعه اروپا" همبستگی بین کارگران آن است که با درس‌گیری از یکدیگر روز به روز بیشتر به مبارزه متحد می‌پردازند و وفق آنان روشن تر می‌شود. مبارزه کارگران رنو اروپا در سال‌های گذشته، مبارزات کارگران فولاد در ۲ سال پیش و اعتصاب سراسری کارگران بنادر، نمونه‌هایی از این امرند.

کار- مداخله حزب شما در مبارزات کارگری در سطح هلند است یا اروپا؟

بومل- شاید عجیب به نظر برسد، اما فعالیت خود من در این زمینه از اروپا شروع شد و به هلند رسید. در جریان مبارزات ضد گلوبالیزا - سیون، حزب سوسیالیست سعی دارد متناسب با توان و نیرو شرکت نماید و رادیکالیسم درون جنبش را تقویت نماید. اولین بار در یکی از تظاهرات‌های اروپایی، با فعالین اتحادیه‌های آلمان، اسپانیا، ایتالیا و بلژیک آشنا شدم که آنها نیز در پی گسترش ارتباطات و هماهنگی بیشتر در مبارزات بودند. البته فعالین حزب سوسیالیست که در کارخانجات فعالند، هم در هلند سعی در مداخله در مبارزات دارند هم در سطح اروپایی. گلوبالیزاسیون که در عرصه اقتصادی، استثمار هرچه بیشتر در کشورهای جنوب را به دنبال داشته، در عرصه سیاسی و برای فعالین سیاسی، خصوصاً سوسیالیست‌ها عرصه مناسبی است برای ایجاد ارتباطات، تقویت یکدیگر، همبستگی و تبادل تجربه.

کار- همان‌طور که گفتید، عواقب شوم گلوبالیزاسیون عمدتاً متوجه کشورهای جنوب است، لذا وجود پیوندهای مبارزاتی بین فعالین و مبارزین شمال و جنوب نیز حیاتی است. از آن جایی که اکثر کشورهای جنوب، خارج از اروپا هستند، چگونه پی‌های ارتباطی با نیروهای چپ، سوسیالیست و مترقی جنوب را برقرار می‌کنید؟

بومل- یکی از کمبودهای جنبش ضد گلوبالیزاسیون همین است: نبود ارتباط بانیه‌های اجتماعی معترض در کشورهای جنوب که همان‌طور که اشاره کردی بیشتر از همه جا متأثر از گلوبالیزاسیون اقتصادی اند. در واقع در دوره اخیر احزاب سوسیالیست و مترقی کشور - های شمال باید تغییری در روش برخورد به این مسئله داشته باشند. سابقاً همبستگی با مثلاً نیکاراگوئه دوران ساندنیست‌ها بدین گونه بود که هیئتی یا گروهی راهی آنجا می‌شد و در حد توان به آنها مساعدت می‌کرد. این شکل گرچه در آن زمان موثر و مثبت بود، اما به محض این که ساندنیست‌ها از قدرت کنار رفتند، این ارتباطات کمتر و کمتر شد تا این که به کلی از بین رفت.

سابقاً دفاع از جنبش‌ها در چارچوب بلوک بندی‌های جهانی بود و عمدتاً شامل حال جنبش‌های مترقی می‌شد که به قدرت می‌رسیدند. با پایان دوران جنگ سرد، شکل فوق‌کمتر یافت می‌شود. نیروهای مترقی، سوسیالیست و چپ این کشورها (جنوب) عمدتاً در اپوزیسیون

اند؛ سؤال اساسی این است که چگونه می توان با این اپوزیسیون که در اکثر موارد زیر سرکوب نیز هست، ارتباط برقرار نمود. پاسخ پیچیده و بسیار مشکل است. اما حزب ما سعی دارد گام‌های اولیه را در مسیر برقراری ارتباطات اصولی بین فعالین و مبارزین پیش آهنگ را حول خواست‌ها و مطالبات مشخص‌تر، بردارد. گرچه این امر بطئی است اما نتایج آن به مراتب مثمر ثمرتر خواهد بود. مثلا خاور میانه یکی از کانون‌های حساس سیاسی-اقتصادی است. برای حزب ما بسیار مهم است که اخبار و اطلاعات قابل اتکاء داشته باشیم و ارتباطاتمان با نیروهای مترقی این کشورها برقرار شود. در همین رابطه ما سعی می کنیم به جای ابراز همبستگی صرف، طی پروسهایی در مبارزات درکنارهم باشیم. گرچه سرکوب و فشار در برخی کشورها از جمله ایران موجب تبعید و آوارگی میلیونها نفر شده، اما جنبه مثبت آن، تسهیل ارتباطات با قشر مترقی و پیشروی ایران در تبعید است. همین مسئله در مورد عراق، افغانستان و... صادق است. بسیاری از فعالین سیاسی این کشورها، نیض مسائل سیاسی، اجتماعی کشورهای زادگاه-شان را در دست دارند. این می تواند نقطه قوت حرکت مشترک ما با آنها باشد. نکته ای که من شخصا با آن برخورد داشتم این است که اکثر فعالین سیاسی کشور های مذکور به دلایل متعدد از عضویت در احزاب هلند حتی حزب ما خودداری می کنند. ولی این امر نباید مانع از همکاری ها شود. یک مثال می زنم: چندی پیش در جراید هلندی خبری درج شد مبنی بر دستگیری استاد دانشگاهی به نام "آجاری" در ایران. در تیم امور خارجه فراکسیون ما، خواستیم در این مورد موضع گیری کنیم و نظر وزیر امور خارجه هلند را در این خصوص جویا شویم. اما در آخر به این نتیجه رسیدیم که گرچه دستگیری فرد مذکور از نظر ما محکوم است اما از آن جا که مسائل متعددی در جامعه ایران در جریان است و سرکوب و کشتار همواره در دستور کار بوده، طرح این قضیه، مفهوم سیاسی خاصی پیدا می کند. چرا که ما متاسفانه در موارد دیگر به دلایل عدم توانایی و شناخت لازم، موضع گیری نکرده بودیم طبیعی است که آغاز اعلام موضع، آن هم در مورد ایشان که خود از لایه های درونی رژیم است، سوء تفاهات سیاسی ایجاد می کرد. لذا علیرغم محکومیت حکم صادره در مورد ایشان، از آن صرف نظر کردیم. چند روز پس از آن هیئتی از سوی ائتلاف چپ ایرانی ها (که سازمان اقلیت نیز جزو آن است) در دفتر حزب ما در آمستردام حضور یافتند و خبر از تغییراتی در قانون کار دادند که نتایج شومی برای کارگران در برداشت. حزب ما در آمستردام، همان لحظه با انتشار اطلاعیه مطبوعاتی حمایت خود را از کارگران ایران اعلام داشت. این نکته ارزنده ای بود. چرا که طی این همکاری هم نیروهای چپ ایرانی، صدای خود را به ما رساندند و هم ما منبع قابل اتکایی یافتیم تا از آنچه در ایران می گذرد باخبر شویم. فراموش نکنید که رسانه های گروهی جهان این گونه اخبار را یا اصلا منعکس نمی کنند یا بسیار مختصر و نامفید عرضه می کنند. مانیزباتوجه به توان محدودمان، قادر به احاطه به موضوع نیستیم. مگر آن که این گونه ارتباطات را

حفظ کنیم و یکدیگر را تقویت نمائیم. از سوی دیگر باید اشاره کرد پس از پایان جنگ سرد، مفاهیمی مانند "جامعه مدنی" به طور مبهم و کسدار طرح می شوند که خلط مبحث سیاسی اند. شاخص های این مدنیت در کشورهای شمال تعریف شده و جا افتاده است. اما تزریق این ایده ها به کشورهای جنوب موجب پیدایش نهاد های مربوطه نمی شوند. یکی از مباحث مربوط به جنبش ضد گلوبالیزاسیون، همین "جامعه مدنی" است. تنها با درگیری و مشارکت فعالین سیاسی پیشرو این کشورهاست که می توان معیار تحقق نهادهای معرف مدنیت را محک زد. وجود یا عدم وجود این نهادها از طریق ارتباطات زنده با فعالین این جنبشها میسر است نه از طریق ماهواره و رادار. تجربه جالب همکاری با فعالین سیاسی سایر کشورها در هلند، سازماندهی تظاهرات علیه جنگ در عراق است. در جریان این همکاری مشترک، شناخت از یکدیگر بیشتر می شود و زمینه های همکاری آتی به وجود می آید. بر اساس این همکاری ما پایه حرکت دراز مدت-تری را بنا نهادیم و آن تشکیل زیر کمیسیونی از این فعالین حول مسائل بین المللی است. طبیعی است که این گونه همکاری ها به مبارزه در عرصه های مختلف چه در خیابان علیه جنگ چه در پارلمان علیه تصویب قوانین مربوطه، غنای بیشتری می بخشد. در همین جا از سازمان شما نیز جهت شرکت در این مجموعه دعوت به عمل می اورم.

کار- نظر حزب شما در مورد حمله به عراق چیست و آیا اصولا شما با جنگ تحت هر شرایطی مخالف اید؟

بومل- حزب ما یک حزب پاسیفیست نیست و تحت شرایطی ما از جنگ دفاع می کنیم. جنگ با عراق، ادامه سیاستی است که آمریکا به خاطر منافع اقتصادی دنبال می کند. نه تنها آمریکا، بلکه اروپا نیز در پی این منافع وارد جنگ می شود. علاوه بر این، آمریکا برخلاف کلیه قوانین بین المللی، جنگ را به عنوان اولین راه حل مورد نظر دارد. ما مخالف این جنگیم چرا که قربانیان این جنگ مردم و اپوزیسیون واقعی عراق است. چنانچه ما واقعا با حکومت صدام مخالف باشیم، باید به محاکمه سران رژیم اش بپردازیم. اخیرا که طارق عزیز برای دیدار با پاپ راهی واتیکان شد، ما تنها حزبی بودیم که خواهان دستگیری وی و محاکمه اش در دادگاه بین المللی بودیم. ولی متاسفانه حمایتی از این پیشنهاد نشد. ما با تمام قوا تلاش می کنیم از کانال های دیپلماتیک، بسیج توده ای و... با جنگ مخالفت کنیم. اما چنانچه جنگی درگیرد، ما به منظور حمایت از نیرو های اپوزیسیون مترقی عراق، از سازمان ها و نهادهای بین المللی خواهان حمایت و حفاظت از اپوزیسیون هستیم تا از حملات آمریکا و عراق در امان بمانند. این یکی از خطرات بزرگ برای اپوزیسیون عراق محسوب می شود.

کار- ضمن تشکر از این دعوت و از شرکت در این مصاحبه و بیان نقطه نظراتتان و به امید همکاری های آتی.

بومل- با تشکر متقابل و با آرزوی موفقیت برای سازمان شما و جنبش چپ در ایران.

## اخباری از ایران

نیز اعتراض نموده و خواستار اعمال فشار ILO به جمهوری اسلامی جهت پرداخت حقوق - های عقب افتاده، پذیرش و به رسمیت شناخته شدن حقوق کارگران برای اعتصاب، تحصن و ایجاد تشکل های مستقل کارگری شده اند.

### \* تجمع اعتراضی و راه پیمایی کارگران در کاشان

روز دوشنبه ۲۱ بهمن، بیش از هزار تن از کارگران کارخانه حریر و مخمل کاشان و نیز کارگران ریسندگی و بافندگی کاشان (شماره ۱ و ۲)، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خویش و در اعتراض به اخراج حدود ۳۰۰ تن از همکاران خود در برابر فرمانداری کاشان دست به تجمع زدند. کارگران با سردادن شعارهایی علیه کارفرمایان و برای دریافت دستمزدهای معوقه، خواستار لغو فوری حکم اخراج ها و رسیدگی به سایر مشکلات خود شدند. نیروهای انتظامی که به فوریت از سوی مقامات دولتی به محل فراخوانده شده بودند، سعی کردند تجمع کارگران را برهم زنند و کارگران را متفرق سازند. اما کارگران به اعتراض خود ادامه دادند و در خیابان های شهر دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند. وقتی که صف کارگران معترض که شمار زیادی از خانواده های کارگری و سایر اقشار مردم زحمتکش آنها را همراهی می کردند، به چهار راه ملت رسید، پلیس ضد شورش و نیروهای انتظامی کارگران را به محاصره در آوردند و به طور وحشیانه صف اعتراض کنندگان را مورد یورش قرار دادند. کارگران در برابر این اقدام وحشیانه دست به مقاومت زدند و درگیری تاجند ساعت بعد ادامه یافت. در اثر یورش مزدوران، چندتن از کارگران زخمی و شمار دیگری بازداشت شدند.

### کمک های مالی رسیده

#### کانادا - ونکوور

به یاد مراسم بزرگداشت ۵۰ دلار آمریکا  
حماسه سیاهکل سال ۵۵ دلار کانادا  
۱۳۵۹ در لاهیجان ۹۰ دلار کانادا

#### کانادا - اتاوا

بهمن ماه ۱۵۰ دلار کانادا

#### ایران

بهروز آقا ۱۹۶ ۲۰ یورو

**مصاحبه نشریه کار**
**با هاری فان بومل**
**نماینده حزب سوسیالیست هلند**


**مقدمه:** حزب سوسیالیست هلند (SP) فعالیت خود را در سال ۱۹۷۱ آغاز کرد. این حزب در سالهای آغازین، عمدتاً در منطقه جنوب هلند که از مراکز صنعتی این کشور است به فعالیت و سازماندهی در محلات و کارخانجات می پرداخت. اعتصابات مهم صنعتی در سال ۱۹۷۳ در منطقه جنوب هلند (Brabants) متعاقب مبارزات این حزب در کارخانجات بود. طی این سالها که اتحادیه‌های کارگری وقت، به زد و بند با دولت مشغول بودند و کارگران را که به خاطر بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد به مخالفت برخاسته بودند، دعوت به "آرامش" می کردند، حزب سوسیالیست به سازماندهی کارگران پرداخت و اعتصاب برپا نمود. همین امر به دستگیری چندین تن از رهبران این اعتصاب منجر شد. به دنبال این اعتصاب، حمایت از این حزب در منطقه افزایش یافت و شمار زیادی از فعالین کارگری به عضویت این حزب درآمدند. شرکت در انتخابات شهرداری‌ها، گام بعدی بود. حزب سوسیالیست ابتدا در همان منطقه جنوب در شهرداری نماینده داشت و پس از آن در سایر نقاط هلند، فعالیت‌های حزب به تدریج به شهرهای بزرگ هلند گشاده شد. فعالیت‌های بین‌المللی این حزب طی سال‌های دهه ۸۰ و ۷۰ عمدتاً در همبستگی با ساندنیست‌ها در نیکاراگوئه و جنبش ضد نژادپرستی در آفریقای جنوبی بود. از سال ۹۴، حزب سوسیالیست با شرکت در انتخابات مجلس هلند، در پارلمان این کشور نماینده دارد. ابتدا این حزب دو نماینده داشت، در سال ۹۸ تعداد کرسی‌هایش به ۵ و در سال ۲۰۰۲ به ۹ افزایش یافت. در

انتخابات ۲۲ ژانویه سال جاری که به دنبال سقوط کابینه دست راستی هلند صورت گرفت، ۹ نماینده حزب سوسیالیست ابقاء شدند.

متن زیر، مصاحبه‌ای است با "هاری فان بومل" (Harry van Bommel) یکی از ۹ نماینده این حزب در پارلمان، وی سخنگوی حزب در امور بین‌المللی است. با او حول مسائل داخلی و بین‌المللی به گفتگو می‌نشینیم. بدیهی است درج نقطه نظرات این حزب، الزاماً به معنای تأیید مواضع مطرح‌شده نیست.

کار- انتخابات اخیر (۲۲ ژانویه ۲۰۰۳) را بیست سرگذاردید. ارزیابی‌تان از نتایج آن چیست؟

بومل- انتخابات اخیر، به دنبال سقوط کابینه دست راستی (حزب لیبرال، دمکرات مسیحی و حزب پوپولیست LPF) در ظرف کمتر از یک سال بعد از انتخابات سال گذشته صورت گرفت. در انتخابات سال گذشته، حزب کارگر هلند (PvdA) حدود نیمی از کرسی‌های خود را از دست داده بود که این حزب اصولاً رسالتی در شرایط کنونی ندارد. زیرا نه آن مواضع شسته و رفته لیبرالی را دارد که بتوان آن را یک حزب تمام عیار لیبرال دانست و نه دیگر قربانی با ایده‌های سوسیال دمکراسی دارد. همین سیالیت و عدم ثبات موجب از دست رفتن پایگاه‌اش شد. طی سالهای گذشته نیز افزایش شکاف اقتصادی، بیکاری و کاهش تأمین اجتماعی خصوصاً افت آموزش و پرورش و خدمات درمانی ناراضی‌هایی فراوانی را به وجود آورده بود. از همین رو بسیاری از رای‌دهندگان به حزب کارگر که دیگر در برنامه خود، تأمین اجتماعی را کم رنگ‌تر و کم رنگ‌تر نموده بود پشت کردند. بخش اعظم آنان تحت تأثیر عوام‌فریبی‌های حزب جدید-التاسیس LPF واقع شدند. با ترور رهبر این حزب، آنهم ۹ روز قبل از انتخابات، مه ۲۰۰۲ و اسطوره‌ای که از آن ساخته شد، موجب شد این حزب که چند ماهی از تاسیس -اش نمی‌گذشت ۲۷ نماینده به مجلس بفرستد. این امر خود نشان از پلاریزه شدن جامعه هلند را داشت. هم در عرصه اقتصادی و هم در عرصه سیاسی. سال گذشته کابینه دست راستی به قدرت رسید اما در مدت ۷۸ روزی که از عمر آن گذشت، رسوایی‌های مالی و سیاسی موجب استعفای کابینه شد. عملکرد کوتاه اما رسوایی‌آور آن باعث شد که رای‌دهندگان LPF از آن روی برگردانند. شواهد امر حاکی از آن بود که

صفحه ۶

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

**آلمان**  
K. A. R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

**اتریش**  
Kar  
Postfach 260  
1071, Wien  
Austria

**دانمارک**  
I. S. F  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

**سوئد**  
M. A. M  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

**سوئیس**  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

**فرانسه**  
A. A. A  
MBE 265  
23, Rue Lecourbe  
75015 Paris  
France

**کانادا**  
K.Z  
P.O. BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7  
Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایند

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

**شماره‌های فکس**
**سازمان فدائیان (اقلیت)**

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

**پست الکترونیک E-Mail:**
[info@fedaiian-minority.org](mailto:info@fedaiian-minority.org)
**نشانی سازمان بر روی اینترنت:**
<http://www.fedaiian-minority.org>
**Organization Of Fedaian (Minority)**

No. 399 feb 2003

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**